

۲
گفتارخدمت بی‌هیا هو
محمد عطریان‌فر۵
تماشاهنرمندان را طرد نکنید
گفت‌وگو با محمدحسین قاسمی۷
کوچهسخنگو، سخن‌نگو!
درباره اظهارات فاطمه مهاجرانی۲
سیاست

پایان غم‌انگیز

درباره وزرای امور خارجه شهید ایران



یادداشت روز

مسئله حاد اینترنت

فعالان و کسب‌وکارها میان ادامه فعالیت یا پذیرش محدودیت‌ها گرفتار شده‌اند



نوید رجایی‌پور

کارشناس اقتصاد دیجیتال

قصه طولانی و دردناک اینترنت در شرایط جنگ و نامنی، ناشی از فقدان گفت‌وگوی پیشینی میان فعالان فضای مجازی، فناوری اطلاعات و اقتصاد دیجیتال است. تصمیم به قطع ناگهانی سیستم‌ها، چه در دوران پیش از جنگ و چه اکنون بدون بررسی دقیق مالی و عملکرد بخش خصوصی اتخاذ شد. برای نمونه، در سال گذشته اقتصاد دیجیتال کشور در برخی حوزه‌ها عملکرد خوبی داشت اما به دلیل قطع‌های مکرر اینترنت بسیاری از فعالیت‌ها مختل شد و سرمایه‌گذاری‌ها و دستاوردهای نیمه‌کاره باقی ماندند. دو نکته اصلی در این زمینه وجود دارد: نخست، الزام این محدودیت‌ها که عمدتاً به تصمیمات امنیتی نسبت داده می‌شود؛ در حالی که شفاف‌سازی درباره اینکه کدام لایه‌ها امنیت عمومی، نظامی یا دیجیتال را هدف گرفته‌اند، انجام نشده است. حتی با وجود این محدودیت‌ها، برخی نهادها و بانک‌های بزرگ کشور مورد نفوذ و حملات هکری قرار گرفتند؛ بنابراین باید پرسید که بسته شدن اینترنت چه سود ملموسی برای امنیت داشته است؟ نکته دوم، ناهماهنگی و فقدان برنامه‌ریزی دقیق است. در حالی که تصمیمات کلان درباره استراتژی‌های کشور اتخاذ می‌شود، لایه‌ای که مستقیماً با معیشت مردم و اقتصاد دیجیتال در ارتباط است با تصمیمات پراکنده و بدون مشارکت فعالان بخش خصوصی مواجه شده است. کشورهای دیگر نیز محدودیت‌هایی مقطعی اعمال می‌کنند اما به‌طور شفاف و با برنامه هماهنگ. در کشور ما، رکورد قطع اینترنت به بیش از هزار ساعت رسیده و این اختلال بلندمدت تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شدیدی خواهد داشت. این مسئله فشار مضاعفی بر بخش خصوصی و خانواده‌ها وارد کرده است. اقتصاد دیجیتال که می‌توانست، زمینه توسعه و اشتغالزایی گسترده باشد تحت‌تأثیر اختلالات ناگهانی اینترنت متوقف شده است. بخش خصوصی بدون اطلاع‌رسانی و هماهنگی، با ریسک‌های امنیتی، کاهش درآمد و ناتوانی در پیش‌بینی روندها مواجه شده است. در مقابل، تمرکز صرف بر بهانه‌های امنیتی، بدون برنامه‌ریزی برای مدیریت دسترسی و توسعه زیرساخت‌ها به‌نوعی محدود کردن فضای دیجیتال به بهانه بحران تبدیل شده است. تجربه نشان داده که خسارت وارده به اقتصاد دیجیتال حتی بیشتر از ضربه به صنایع فیزیکی مانند فولاد است. همان‌طور که در گذشته، ضربه به صنعت فولاد با واکنش و نگرانی شدید مواجه شد، بخش دیجیتال که ستون اصلی فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی امروز کشور است به همان میزان و یا حتی بیشتر آسیب دیده است و متأسفانه دولت و مقامات مسئول کمتر به این ابعاد توجه کرده‌اند. با وجود بهبود نسبی شرایط هنوز سیستم‌ها و گروه‌های محدود وزارت ارتباطات و معاونت علمی نمی‌توانند کل شبکه را به‌صورت هماهنگ مدیریت کنند. تجربه گذشته نشان داده که این نوع رویکردها، بیشتر به ایجاد محدودیت برای کاربران و کاهش اعتماد بخش خصوصی منجر شده تا به تقویت امنیت و توسعه پایدار دیجیتال. برخی تحلیلگران معتقدند که بخشی از این محدودیت‌ها، بهانه‌ای برای کنترل بیشتر فضای مجازی بوده و اکنون با شرایط بهتر، امکان مدیریت استراتژیک و طبقاتی اینترنت وجود دارد اما تصمیمات کلان هنوز با مشارکت جمعی بخش خصوصی تدوین نشده است. برخی فعالان و کسب‌وکارها تلاش کردند تا در برابر محدودیت‌های اینترنت مقاومت کنند اما متأسفانه بخش دیگری به دلیل نیاز به ادامه فعالیت اقتصادی و حفظ کسب‌وکارشان، ناچار شدند، تن دهند و از اینترنت طبقاتی استفاده کنند. این وضعیت، شکاف دیجیتال را عمیق‌تر کرده و نابرابری دسترسی به فضای آنلاین میان بخش‌های مختلف جامعه و اقتصاد را برجسته کرده است.

بازگشت به میز مذاکره؟

رئیس‌جمهور آمریکا خبر داد: مذاکرات ایران و آمریکا ممکن است به‌زودی در پاکستان برگزار شود
رئیس‌جمهور فرانسه خبر داد: به رئیس‌جمهور ایران توصیه کرده که مذاکرات پاکستان از سر گرفته شود

درحالی که تنش‌ها میان تهران و واشنگتن وارد مرحله‌ای تازه شده، جدیدترین خبرهای حاکی از احتمال برگزاری دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا در اسلام‌آباد است. به نوشته برخی منابع این مذاکرات اواخر هفته جاری و یا اوایل هفته آینده برگزار خواهد شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که مذاکرات با ایران احتمالاً در دو روز آینده انجام خواهد شد. در همین راستا امانول مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه روز سه‌شنبه اعلام کرد که با رئیس‌جمهوری آمریکا و مسعود پزشکیان، همتای ایرانی خود، صحبت کرده و از هر دوی آنها خواسته تا «مذاکرات متوقف شده» بین ایالات متحده و ایران را از سر بگیرند. رئیس‌جمهوری فرانسه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «من خواستار از سرگیری مذاکرات متوقف‌شده در اسلام‌آباد شدم تا سوء تفاهم‌ها روشن و از تشدید بیشتر تنش جلوگیری شود. به‌ویژه ضروری است که آتش‌بس به‌طور کامل توسط همه طرف‌ها رعایت شود و شامل لبنان نیز بشود».

ادامه در صفحه ۳

ابوالفضل خدایی
گروه بین‌الملل

گروه بین‌الملل



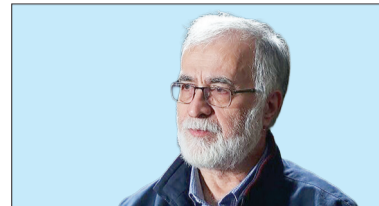
قمار آمریکایی

۶
توسعهکدام کشورها از محاصره
تنگه هرمز نفع می‌برند
و کدام کشورها زیان می‌بینند؟

دیدگاه: گفتار سیاسی

خدمت بی‌هیاهو

تلاش جهادی دولت
برای ترمیم شریان‌های حیاتی کشور



گروه سیاسی: محمد عطریانفر، معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، در ارزیابی عملکرد دولت چهاردهم و رویکرد مسعود پزشکیان، بازگشایی مسیرها، احیای خطوط ارتباطی و بازسازی زیرساخت‌هایی مانند راه‌آهن و پل‌ها را نتیجه تلاش شبانه‌روزی دولت دانست و آن را بازگرداندن امید به زندگی مردم توصیف کرد. او تأکید کرد که خدمات دولت در این دوره، بی‌هیاهو اما از جنس اخلاص بوده و این ویژگی به‌طور برجسته در شخص رئیس‌جمهور دیده می‌شود.

عطریانفر روز گذشته در گفت‌وگو با ایرنا با اشاره به شرایط پیچیده کشور گفت که اگر کارنامه هر دولت با معیار انصاف سنجیده شود باید میان غوغای سیاسی و حقیقت خدمت تفکیک قائل شد. به گفته او، دولت پزشکیان در دل بحران‌ها تلاش کرده است، چرخه معیشت مردم متوقف نشود و از افزایش اضطراب در زندگی روزمره جلوگیری شود. او افزود در حوزه تأمین کالاها، اساسی، تثبیت نسبی بازار و استمرار خدمات عمومی، نشانه‌هایی از موفقیت قابل مشاهده است که بر پایه تدبیر و آرامش اجرایی شکل گرفته است.

وی با بیان اینکه دولت در مجموع توانسته از بروز بی‌ثباتی فراگیر جلوگیری کند، ادامه داد استمرار حداقلی وظایف حاکمیتی، از تأمین کالا تا خدمات عمومی، نشان‌دهنده انسجام نسبی در ساختار اجرایی کشور است. او تأکید کرد، در شرایطی که کشور تحت فشارهای همزمان ناشی از تهدیدات و جنگ روانی قرار داشته این سطح از مدیریت قابل توجه است.

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با این حال به برخی کاستی‌ها نیز اشاره کرد و گفت ناهماهنگی در برخی سطوح اجرایی، ضعف در اطلاع‌رسانی شفاف و ناتوانی در اقتناع افکار عمومی باعث شده، بخشی از دستاوردها به درستی دیده نشود. او تأکید کرد که در عصر رسانه، موفقیت‌ها زمانی اثرگذار می‌شوند که روایت درست و اعتمادساز از آنها ارائه شود و میان عمل و اطلاع‌رسانی، پلی از اعتماد شکل گیرد.

عطریانفر در ادامه، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده را یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت دانست و گفت، ترمیم شریان‌های حیاتی کشور نه‌تنها یک پروژه عمرانی بلکه اقدامی برای بازگرداندن امید اجتماعی است. به گفته او، بازگشایی مسیرها، احیای خطوط ارتباطی و بازسازی پل‌ها و خطوط ریلی، جلوه‌ای از تلاش جهادی دولت در شرایط سخت بوده است.

او البته هشدار داد که کیفیت و پایداری این بازسازی‌ها، نیازمند نظارت مستمر و استفاده از فناوری‌های نوین است تا از تکرار خسارت‌ها جلوگیری شود. به اعتقاد او، سرعت در اجرا باید همراه با استاندارد و دقت باشد تا این اقدامات در بلندمدت پایدار بمانند.

عطریانفر همچنین حضور مردم در صحنه را یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های کشور دانست و گفت اجتماعات مردمی و همگرایی ملی، نماد هویت مشترک و عزم جمعی ملت است. او تأکید کرد این سرمایه اجتماعی، بزرگ‌ترین پشتوانه برای نیروهای نظامی و سیاست‌گذاران در عرصه دیپلماسی است و در جهان امروز، اراده ملت‌ها نقش تعیین‌کننده‌تری از ابزارهای سخت‌افزاری دارد.

او در پایان خاطر نشان کرد، پیوند دولت و ملت باید بر پایه شفافیت، پاسخگویی و مشارکت‌پذیری تقویت شود و منافع ملی بر ملاحظات جناحی ترجیح داده شود. عطریانفر همچنین مدیریت هوشمندانه تنگه هرمز را نمونه‌ای از ضرورت نگاه راهبردی در سیاست خارجی دانست و تأکید کرد که این گذرگاه مهم باید همزمان با صیانت از منافع ملی در مسیر همکاری‌های منطقه‌ای و امنیت جمعی مدیریت شود.

پایان غم‌انگیز

درباره وزرای امور خارجه شهید ایران



دحسین فاطمی



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در جغرافیای سیاست ایران، ساختمان سنگی وزارت امور خارجه در باغ ملی فقط یک بنا نیست؛ معبدی است که در آن، دیپلمات‌ها گاهی ناگزیرند میان آبرو و مصلحت، یکی را قربانی کنند. این صندلی، پایه‌هایش بر گسل‌های لرزان تاریخ بنا شده و نشستن بر آن، همیشه شبیه به راه رفتن روی لبه تیغ بوده است؛ جایی که شکوه دیپلماسی و لبخندهای دیپلماتیک در قاب‌های بین‌المللی، مدام با سایه سنگین سرنوشت‌های تراژیک و تلاطم‌های تند سیاست داخلی در هم می‌آمیزد. کسی هم که بر این کرسی تکیه می‌زند همواره باید میان دو جبهه بایستد؛ در بیرون باید از آرمان‌ها و منافع ملی در برابر دنیایی سرسخت دفاع کند و در درون، مراقب باشد که گام‌هایش با ضرب‌آهنگ تند سیاست‌های داخلی ناهمخوان نشود. در این جایگاه، هیچ‌کس فقط وزیر نبوده و هر یک، به شکلی، به بخشی از تاریخ بدل شده‌اند، گاه با افتخار، گاه با حذف و گاه با پایانی که از جنس تراژدی است. مرور سرنوشت وزرای خارجه تاریخ معاصر ایران هم شهادتی بر این مدعاست که اگر بخواهیم روایت آنها را بازخوانی کنیم، لاجرم باید از دریچه تنهایی و تلاطم به آن بنگریم.

بهای استقلال

روایت این صندلی را با نامی آغاز می‌کنیم که هنوز بوی آرمان می‌دهد: حسین فاطمی. او وزیر خارجه دولت محمد مصدق، معمار فکری ملی شدن نفت و یکی از جسورترین صداهای استقلال‌طلبی در تاریخ ایران است. فاطمی دیپلماسی را با غیرت ملی گره زد؛ آن را از سطح پروتکل‌های رسمی فراتر برد و به میدان مبارزه سیاسی اش کشاند. اما همین جسارت، پایان او را رقم زد و در نهایت، پس از کودتای ۲۸ مرداد، پاداش جسارتش را با جوخه اعدام گرفت. فاطمی ثابت کرد که در ایران، دیپلماسی می‌تواند به قیمت جان تمام شود.

شکوه، وابستگی و سقوط

در دوران پهلوی دوم، اردشیر زاهدی چهره‌ای شاخص بود؛ وزیر خارجه‌ای که روابط نزدیک با ایالات متحده آمریکا را نمایندگی

رسانه

بحران مرجعیت

چرا روایت رسانه ملی، مخاطب را نگه نمی‌دارد؟

گروه سیاسی: در شرایطی که کشور با بحران و تنش روبه‌روست نقش رسانه خیلی مهم‌تر از همیشه می‌شود. مردم نیاز دارند خبر درست، تحلیل قابل اعتماد و روایت منصفانه بشنوند. اما واقعیتی که به هر حال نمی‌توان نادیده‌اش گرفت، این است که صداوسیما با وجود این همه شبکه و امکانات در جنگ تحمیلی سوم هم نتوانست برای خیلی از مردم جذاب و مرجع باشد.

احمد زیدآبادی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب هم اخیراً در یادداشتی در کانال تلگرامی‌اش دقیقاً به همین نکته اشاره کرده. او خطاب به باقر قالیباف که حالا به‌زعم او «به‌عنوان مرد قدرتمند جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی ظاهر شده است» می‌پرسد که «چرا حکومت، تمام فضای رسانه‌ای و تبلیغاتی و خبررسانی را اینطور مفت و مجانی، دو دستی تقدیم چند شبکه خبری پادوی باند تانیاها در خارج از مرزهای کشور کرده است به طوری که در خانه‌های بسیاری از مردم با علایق و سلاقی مختلف سیاسی، برنامه‌های یک‌سویه و مغرضانه این شبکه‌ها دیده می‌شود اما این همه شبکه رنگارنگ صدا و سیما، رنگینی برای تماشا بر نمی‌انگیزد؟» سوال زیدآبادی در واقع خلاصه یک مشکل جدی است؛ مشکلی که سال‌هاست وجود دارد، ما اهل رسانه هم بارها گفته‌ایم و



حسین امیر عبداللهیان

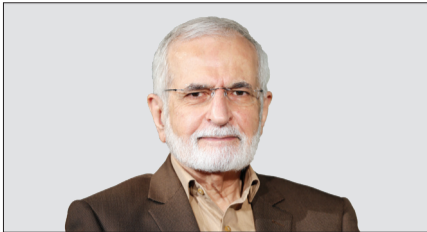
می‌کرد و نامش با اوج وابستگی ایران به غرب گره خورد. اما انقلاب ۱۳۵۷ پایان این جهان بود. بعد از زاهدی، عباسعلی خلعتبری آمد؛ تکنوکراتی حرفه‌ای که به امضای قراردادهای نظام دیپلماتیک باور داشت. او حتی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را به‌عنوان دستاوردی حقوقی ثبت کرد اما انقلاب، منطق دیگری داشت. خلعتبری با تمام تجربه و کارنامه‌اش و درحالی که عمری را در راهروهای سازمان ملل سپری کرده بود، در نهایت اعدام شد.

جابه‌جایی آرمان‌ها و سقوط چهره‌ها

با آغاز جمهوری اسلامی، صندلی به کریم سنجابی رسید؛ اما او خیلی زود فهمید که زبان جبهه ملی در تالار انقلاب خریداری ندارد. سنجابی فقط ۵۵ روز دوام آورد و در نهایت با استعفا کنار رفت. پس از او، ابراهیم یزدی آمد؛ مردی که می‌خواست پلی میان آرمان‌های انقلابی و واقعیت‌های جهانی باشد اما سرنوشتش به‌جای قدرت به فرسودگی گره خورد. سال‌های پایانی عمر یزدی در انزوا، دادگاه‌ها و فشارهای سیاسی گذشت؛ چهره‌ای که از همراه انقلاب به متهم همیشگی تبدیل شد و تا زمان مرگش در غربت درمان، هرگز از طعنه «نفوذی» و فشار امنیتی رها نشد؛ او نماد فرزندی بود که خانه دیگر او را بر نمی‌تابید. در همین دوران، صادق قطب‌زاده، پرشورترین چهره روزهای اول انقلاب که صدایش در نوفل‌لوشاتو طنین انقلاب بود و از پاریس تا تهران هم‌پای موج تحولات حرکت می‌کرد، یکی از پرهیجان‌ترین و در عین حال تراژیک‌ترین سرنوشت‌ها را رقم زد. اتهام توطئه و در نهایت اعدام، پایان پرشتاب مردی بود که روزی از نزدیک‌ترین چهره‌ها به هسته قدرت محسوب می‌شد و می‌خواست جهان را به زانو درآورد. در میان این تلاطم، علی‌اکبر ولایتی اما ایستاد با ۱۶ سال حضور و با طولانی‌ترین دوره وزارت در تاریخ جمهوری اسلامی. او تلاطم‌های جنگ و بازسازی را روی این صندلی تاب آورد و دیپلماسی ایران را در آن سال‌ها تثبیت کرد. ولایتی نتوانست میان جناح‌های داخلی و فشارهای خارجی تعادل برقرار کند و نامش با ثبات در سیاست خارجی گره خورد. او همچنان در صحنه سیاست حضور دارد.

اصلاحات و دیپلماسی گفت‌وگو

با آغاز دوره اصلاحات، کمال خرازی آمد؛ چهره‌ای آرام و دانشگاهی که تلاش کرد، ایران را به میز گفت‌وگوهای جهانی



سیدکمال خرازی

بازگرداند. نقش او در تنش‌زدایی با اروپا مهم‌ترین میراثش بود. خرازی، دوران بازسازی اعتبار را از سر گذراند اما سرنوشت او هم انزوایی محترمانه بود و سال‌ها بعد بازگشتش به متن تحولات به شهادتش در جنگ اخیر ختم شد.

منوچهر متکی با تجربه‌ای متفاوت در پادها مانده؛ سرنوشت او یکی از عجیب‌ترین فصول این روایت است. وزیری که در میانه مأموریت رسمی، ناگهان خبر برکناری‌اش را دریافت کرد. این «عزل در پرواز» زخمی عمیق بر پیکر حرمت دیپلماسی ایران بود. در زمان ابلاغ حکم برکناری، متکی به منظور ابلاغ پیام محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت به رئیس‌جمهور سنگال در آن کشور به سر می‌برد.

هم قهرمان، هم متهم

و بعد محمدجواد ظریف؛ چهره‌ای جهانی در دیپلماسی که با برجام، توانست ایران را در مرکز توجه بین‌المللی قرار دهد. اما همین موفقیت، در داخل با فشارهای سنگین و اتهامات سیاسی همراه شد. ظریف، نماد «دیپلماسی لبخند» شد اما همزمان هم قهرمان و هم متهم بود. او که در وین تشویق می‌شد، در خانه، خائن نامیده شد. سال‌های بعد هم از قهرمان دیپلماسی و معمار برجام به چهره‌ای مغضوب در میان تدریج‌های داخلی تبدیل شد و در نهایت به کنج دانشگاه پناه برد.

و در پایان، این روایت به امروز می‌رسد؛ حسین امیرعبداللهیان، وزیری بود که دیپلماسی را به میدان پیوند زد. او مرد سفرهای بی‌پایان در منطقه پرآشوب بود اما سرنوشتش در آسمان رقم خورد. سقوط بالگرد ریاست‌جمهوری در مناطق کوهستانی آذربایجان، پایان زندگی او را رقم زد؛ پایانی که بار دیگر نشان داد که این صندلی تا آخرین لحظه، بوی خطر می‌دهد. آنچه در این سطور آمد، فقط روایت چند اسم نیست؛ این نام‌ها و سرنوشت‌شان صورت‌های مختلف یک حقیقت هستند؛ اینکه در ایران، وزارت خارجه، شغل نیست، سرنوشت است. جایی که یکی با گلوله خاموش می‌شود، یکی با حکم، یکی در سکوت و یکی در آسمان. شاید به همین دلیل است که این جایگاه با تنهایی و تلاطم گره خورده؛ چون هیچ‌کس نمی‌داند پایان این مسیر، دقیقاً کجاست؛ پشت یک میز مذاکره، یا در دل حادثه‌ای که ناگهان همه چیز را ناتمام می‌گذارد.

موفق است که هم صادق باشد، هم متنوع و هم به شعور مخاطب احترام بگذارد. اگر این ویژگی‌ها وجود داشته باشد، طبیعی است که مردم هم همان رسانه داخلی را ترجیح بدهند. اما اگر این اعتماد شکل نگیرد، تردیدی وجود ندارد که حتی قوی‌ترین رسانه‌ها هم کارایی و مرجعیت خودشان را از دست می‌دهند.

تعجب و حتی ناراحتی زیدآبادی از اینکه چرا چنین مسئله مهمی جدی گرفته نمی‌شود و چرا با وجود این همه نشان‌های تغییر در رویکردها دیده نمی‌شود، سوال همه ما و بازتاب یک دغدغه عمومی است که دهه‌هاست با دهان‌های زیادی فریاد زده شده؛ از تحلیلگران رسانه، اساتید دانشگاه، فعالان سیاسی و اجتماعی همه و همه بارها نسبت به عملکرد ضعیف این رسانه هشدار دادند اما تغییری ایجاد نشد تا رسیدیم به این مقطع که بیش از همیشه به مرجعیت آن نیاز داریم اما مرجع نیست. مسئله خیلی هم پیچیده نیست. موضوع این است که رسانه‌ای با این سطح از امکانات چرا نتوانسته، اعتماد و توجه مخاطبش را نگه دارد؟ پاسخ به این سوال، می‌تواند نقطه شروع اصلاح این وضعیت باشد. اگر این موضوع جدی گرفته شود هنوز هم فرصت برای بهتر شدن وجود دارد و اتفاقاً امروز بیشتر از همیشه به آن نیاز داریم.

حالا در این شرایط حساس، بیشتر خودش را نشان می‌دهد. طبیعی است که وقتی مخاطب احساس کند همه حرف‌ها گفته نمی‌شود یا فقط یک زاویه خاص از ماجرا مطرح است دنبال منابع دیگر برسد. حتی اگر آن منابع کاملاً قابل اعتماد نباشند. این اتفاق هم از ضعف رسانه‌ها در داخل به‌ویژه رسانه ملی ناشی می‌شود.

زیدآبادی در ادامه سوالی مطرح می‌کند که جوابش را هم خودش می‌داند و هم همه ما، او می‌پرسد که «آیا در جهان کنونی، حکومت دیگری وجود دارد که هدایت افکار عمومی مردم خود را به عوامل بیگانه بسپرد و بعد برای خنثی‌سازی تکتک خبرها و گزارش‌های آنان، اینطور خود را به آب و آتش بزند؟» و در ادامه، نکته مهمی را مطرح می‌کند. او معتقد است که «یک شبکه مستقل و حرفه‌ای داخلی به راحتی آب خوردن می‌تواند، تبلیغات و افکارسازهای جعلی تمام شبکه‌های بیرونی را خنثی کند و ساختار فکری جامعه را براساس اطلاعات صحیح و دقیق به سمت داوری منصفانه هدایت کند». یعنی مسئله این نیست که رقابت حتماً غیرممکن است بلکه بیشتر به نوع مدیریت و نگاه برمی‌گردد.

این حرف، حرف عجیبی نیست. در دنیای امروز، رسانه‌ای



دیپلماسی چینی

پیشنهاد چهارگانه رئیس جمهور چین برای پایان جنگ در منطقه

گروه بین‌الملل: گزارش‌ها حاکی است که جمهوری خلق چین در روزهای اخیر میزبان مجموعه‌ای از رایزنی‌ها و دیدارهای دیپلماتیک با حضور نمایندگان از کشورهای همچون فدراسیون روسیه، امارات متحده عربی و پادشاهی اسپانیا بوده است. این نشست‌ها عمدتاً بر تحولات مربوط به بحران در تنگه هرمز همچنین جنگ و تنش‌های مرتبط با ایران متمرکز بوده و از نگاه ناظران بین‌المللی، نشانه‌ای از تلاش فعال یکن برای ایفای نقش میانجی و افزایش وزن دیپلماتیک خود در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای تلقی می‌شود.

در همین چارچوب، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در دیدار با شیخ خالد بن محمد بن زاید آل‌نهیان، ولیعهد ابوظبی، بر ضرورت پایبندی به حقوق بین‌الملل به‌عنوان پایه‌ای برای تحقق صلح پایدار در خاورمیانه تأکید کرد. او هشدار داد که نباید اجازه داد جهان به سمت «قانون جنگل» بازگردد؛ عبارتی که به‌طور ضمنی نسبت به افزایش یکجانبه‌گرایی و استفاده از ابزارهای فشار در روابط بین‌الملل هشدار می‌دهد. این موضع‌گیری در شرایطی مطرح شد که تنش‌ها پس از شکست دور تازه‌ای از مذاکرات میان واشنگتن و تهران افزایش یافته و وضعیت امنیتی در منطقه وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر شده است.

ادامه تیتربیک

بازگشت

به میز مذاکره؟

یک مقام ارشد آمریکایی نیز در گفت‌وگو با فاکس نیوز ادعا کرد که آمریکا و ایران «همه عناصر لازم برای یک توافق» را دارند اما هنوز به توافق نهایی نرسیده‌اند. این مقام گفت: «در روزهای پیش‌رو اتفاقات زیادی رخ می‌دهد. ما همه عناصر لازم برای یک توافق را داریم اما هنوز همه چیز کامل نیست».

در همین حال زاهد گیشکوری، خبرنگار شبکه پاکستانی HUM News نیز مدعی شد انتظار می‌رود یک پیشرفت بزرگ در مذاکرات آمریکا و ایران در چهار روز آینده حاصل شود. او از یک اقدام بزرگ دیپلماتیک خبر داد و نوشت: یک مقام عالی‌رتبه پاکستانی که هفته‌ها درگیر مذاکرات ایران و آمریکا بوده، تأیید کرده که اسلام‌آباد حداکثر تلاش دیپلماتیک خود را برای میزبانی از مذاکرات ایران و آمریکا در هفته سوم آوریل (دو باره) به کار گرفته است. به ادعای او برای این منظور، احتمال سفر دونالد ترامپ، محمد بن سلمان، رئیس‌جمهور ترکیه و نخست‌وزیر مصر در جریان این مذاکرات وجود دارد. رئیس‌جمهور ایران نیز به احتمال زیاد از پاکستان بازدید خواهد کرد. در همین حال، نخست‌وزیر (شهباز) شریف قصد دارد فردا به عربستان سعودی سفر کند و یک هیأت عالی‌رتبه از پاکستان نیز به چین خواهد رفت.

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگی که از نهم اسفندماه سال گذشته آغاز شده بود به نتیجه نرسیده است. مذاکرات مستقیم میان دو کشور در پاکستان، با وجود بیش از ۲۱ ساعت گفت‌وگو، بدون دستیابی به توافقی مشخص پایان یافت و همین ناکامی، به‌نوعی زمینه‌ساز تشدید اقدامات میدانی شد. در ادامه همین روند، دونالد ترامپ اعلام کرد که دلیل شکست این مذاکرات، عدم تمایل ایران به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود بوده است؛ موضعی که از نگاه واشنگتن، خط قرمز اصلی در هرگونه توافق احتمالی محسوب می‌شود. این روایت اما بلافاصله با پاسخ تند تهران مواجه شد و شکاف میان دو طرف را عمیق‌تر کرد.

تحركات دیپلماتیک برای دور دوم مذاکرات از آنجا اهمیت دارد که ارتش ایالات متحده آمریکا اعلام کرده که از روز دوشنبه اجرای محاصره تمامی تردهای دریایی به مقصد و مبدأ بنادر ایران را آغاز خواهد کرد؛ تصمیمی که نه تنها یک اقدام نظامی بلکه نشانه‌ای از عبور بحران از سطح دیپلماتیک به مرحله فشار عملیاتی تلقی می‌شود. براساس اعلام آمریکا، کشتی‌هایی که مقصد یا مبدأ آنها ایران نیست همچنان اجازه عبور از این آبراه حیاتی را خواهند داشت؛ مسیری که ایران نیز در واکنش به حملات اخیر آمریکا و اسرائیل عملاً آن را محدود کرده است. همین نکته به‌خوبی نشان می‌دهد که آنچه در حال وقوع است نه یک انسداد کامل بلکه نوعی مدیریت

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، ایالات متحده با اتخاذ تدابیری در قالب محاصره دریایی علیه ایران، بحران در تنگه هرمز را تشدید کرده است؛ اقدامی که با واکنش تند تهران و نگرانی گسترده در سطح بین‌المللی مواجه شده است. در واکنش به این تحولات، رئیس‌جمهور چین این اقدام را مغایر با منافع جامعه جهانی توصیف کرده و خواستار خویشتنداری همه طرف‌ها و بازگشت به مسیر حل‌وفصل دیپلماتیک شده است. یکن معتقد است، تشدید اقدامات تقابلی در این آبراه حیاتی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت انرژی و تجارت جهانی داشته باشد. در ادامه همین رویکرد، شی جین‌پینگ در دیدار با ولیعهد ابوظبی از یک نقشه راه چهارگانه برای دستیابی به صلح پایدار در منطقه رونمایی کرد. این طرح که بر اساس گزارش خبرگزاری شین‌هوا ارائه شده بر چهار محور اصلی شامل حفظ همزیستی مسالمت‌آمیز منطقه‌ای، احترام به حاکمیت کشورها، هماهنگی میان امنیت و توسعه و صیانت از نظم بین‌الملل مبتنی بر قوانین مشترک استوار است. این ابتکار در واقع تلاشی برای ارائه چارچوبی جایگزین در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و کاهش وابستگی به رویکردهای صرفاً امنیتی تلقی می‌شود. سفر ولیعهد ابوظبی به یکن نیز در همین راستا به‌عنوان گامی مهم در تقویت مشارکت راهبردی جامع میان جمهوری خلق چین و

تنش از طریق ابزارهای کنترلی است؛ وضعیتی که از دل شکست مذاکرات اخیر بیرون آمده است.

در سوی مقابل، مقامات ایرانی نه تنها روایت آمریکا را رد کردند بلکه آن را نمونه‌ای از زیاده‌خواهی دانستند. سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به «خواستهای بیش از حد و غیرقانونی» آمریکا، تلاش کرد تصویر متفاوتی از بن‌بست مذاکرات ارائه دهد. در همین راستا، اسماعیل بقایی با طرح پرسش‌هایی کنایه‌آمیز در شبکه ایکس، رویکرد واشنگتن را نوعی «انتقام‌گشایی علیه اقتصاد جهانی» توصیف کرد؛ عبارتی که نشان می‌دهد، تهران تلاش دارد این بحران را نه فقط یک منازعه دو جانبه بلکه مسئله‌ای با پیامدهای جهانی معرفی کند. این خط‌رسانه‌ای تنها به دستگاه دیپلماسی محدود نماند و دیگر مقامات نیز به آن پیوستند.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در واکنشی مستقیم‌تر، پیام خود را متوجه افکار عمومی آمریکا کرد و با اشاره به پیامدهای احتمالی این تنش‌ها از افزایش قیمت سوخت در آمریکا سخن گفت. این نوع موضع‌گیری، نشان‌دهنده تلاش ایران برای انتقال هزینه‌های سیاسی تصمیمات واشنگتن به داخل جامعه آمریکاست؛ راهبردی که همزمان در فضای مجازی نیز دنبال شد. فعالیت اکانت‌های رسمی سفارتخانه‌های ایران، به‌ویژه توییتر که از سوی سفارت ایران در تایلند منتشر شد و میلیون‌ها بازدید داشت، نمونه‌ای از همین جنگ روایت‌هاست؛ جایی که با طرح این پرسش که «آیا برای بزین ۲۰ دلار آماده‌اید؟» تلاش شد افکار عمومی جهانی نسبت به پیامدهای اقتصادی این بحران حساس شود.

در همین حال، لحن دونالد ترامپ نیز به‌طور محسوس تهاجمی‌تر شد و او در شبکه تروث سوشال از برنامه‌های مشخص‌تری برای اعمال فشار سخن گفت. دستور به نیروی دریایی برای متوقف کردن کشتی‌هایی که به ایران عوارض پرداخت کرده‌اند، نشان می‌دهد که آمریکا قصد دارد دامنه فشار را از سطح نظامی به حوزه اقتصادی و تجاری نیز گسترش دهد. تهدید به از بین بردن مین‌های احتمالی در تنگه هرمز و هشدار درباره پاسخ شدید به هرگونه اقدام نظامی از سوی ایران در کنار تأکید بر لزوم بازگشایی فوری این آبراه همگی بیانگر آن است که واشنگتن در حال ترسیم یک چارچوب بازدارندگی چندلایه است؛ چارچوبی که همزمان بر تهدید و اجبار تکیه دارد.

این رویکرد در بیانیه فرماندهی مرکزی ایالات متحده، سنس‌تکام، نیز بازتاب یافته است؛ جایی که تأکید شده محاصره دریایی شامل تمامی بنادر ایران در خلیج فارس و دریای عمان خواهد شد و به‌صورت یکسان برای همه شناورها اعمال می‌شود. با این حال، تأکید بر عدم ممانعت از عبور کشتی‌هایی که به بنادر غیرایرانی تردد دارند، نشان می‌دهد که آمریکا تلاش دارد از ایجاد اختلال کامل در تجارت جهانی جلوگیری کند. در واقع، این سیاست دوگانه، بازتابی از همان معادله پیچیده‌ای است که در آن افزایش فشار باید با کنترل پیامدهای جهانی همراه باشد.

اگرچه تنش‌ها به سطح دریایی رسیده اما جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، با اشاره به «پیشرفت‌های قابل توجه» در مذاکرات، تأکید کرد که مشکل اصلی، ناتوانی هیأت ایرانی در نهایی کردن توافق و نیاز به دریافت تأییدیه از داخل ایران بوده است. این اظهارات در واقع تلاشی برای باز نگه

امارات متحده عربی ارزیابی شده است. این سفر در شرایطی انجام شد که روابط اقتصادی دو کشور به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده و حجم تجارت غیرنفتی آنها در سال ۲۰۲۵ به حدود ۱۱۱.۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. دو طرف در این دیدار بر ارتقای روابط به سطحی «محکم‌تر، مقاوم‌تر و پویا» تأکید کردند و تلاش دارند همکاری‌های خود را فراتر از حوزه انرژی به عرصه‌هایی مانند فناوری‌های پیشرفته، هوش مصنوعی، انرژی‌های پاک و علوم زیستی گسترش دهند. همچنین در این مذاکرات، همکاری میان ابتکار کمربند و جاده چین و چشم‌انداز توسعه‌ای امارات ۲۰۳۱ مورد توجه قرار گرفت؛ موضوعی که نشان‌دهنده تلاش دو کشور برای هم‌راستا کردن برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت خود است. در سطح منطقه‌ای نیز هر دو طرف بر اهمیت حفظ امنیت مسیرهای انرژی و حمل‌ونقل بین‌المللی در شرایط نوسان بازارهای جهانی

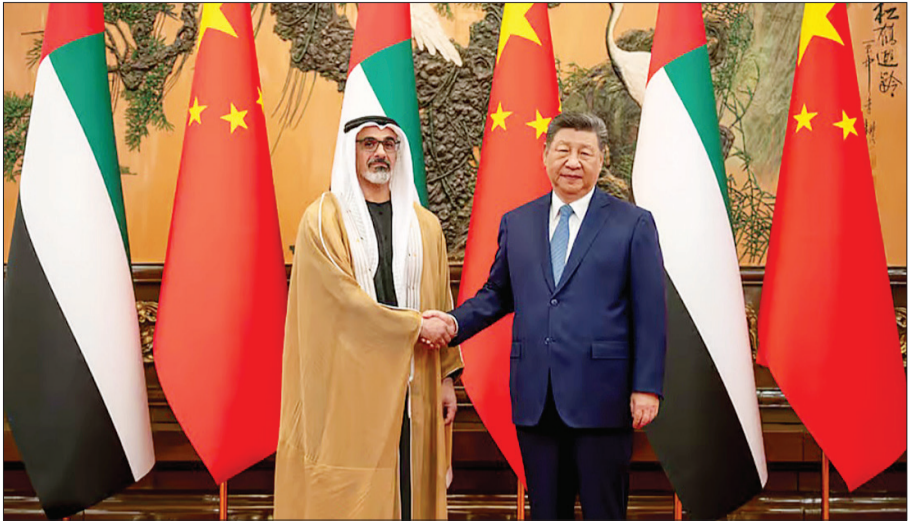
داشتن در دیپلماسی در عین حفظ فشار است؛ رویکردی که در سیاست خارجی آمریکا سابقه‌ای طولانی دارد.

با این حال، خطوط قرمز واشنگتن همچنان پابرجاست و ونس به‌صراحت به دو مورد اشاره کرده است: نظارت بر اورانیوم غنی‌شده ایران و ایجاد سازوکاری برای اطمینان از عدم حرکت تهران به سمت سلاح هسته‌ای. پیشنهاد خروج این مواد از ایران و انتقال مالکیت آن به آمریکا، یکی از جنجالی‌ترین بخش‌های این مطالبات است؛ موضوعی که به‌خوبی نشان می‌دهد، فاصله میان دو طرف همچنان زیاد است. در مقابل، ایران نیز این خواسته‌ها را فراتر از چارچوب‌های پذیرفته‌شده می‌داند و همین امر دستیابی به توافق را دشوار کرده است. در این میان، نقش میانجی‌ها نیز اهمیت پیدا کرده است. شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، با تأکید بر تداوم آتش‌بس، تلاش کرده تصویر امیدوارکننده‌تری از وضعیت ارائه دهد و از ادامه تلاش‌ها برای رفع موانع سخن گفته است. با وجود این، واقعیت آن است که بحران کنونی بیش از آنکه از اتاق‌های مذاکره شکل بگیرد، در میدان فشار متقابل در حال پیشروی است. محاصره دریایی، تهدید به بستن مسیرهای حیاتی و جنگ روایت‌ها همگی اجزای یک بازی پیچیده هستند که در آن هر دو طرف تلاش می‌کنند بلمون ورود به جنگ مستقیم، هزینه‌های طرف مقابل را افزایش دهند. ایران با محدود کردن عبور کشتی‌ها بر نقش خود در امنیت تنگه هرمز تأکید می‌کند و آمریکا با نمایش قدرت نظامی، سعی دارد این پیام را منتقل کند که کنترل این مسیر نباید از دستش خارج شود.

در همین چارچوب تحلیلگران نیز بر ماهیت تاکتیکی این اقدامات تأکید دارند. دیوید لیگاتایوس، تحلیلگر واشنگتن پست، معتقد است که محاصره دریایی بیش از آنکه مقدمه یک جنگ باشد، ابزاری برای افزایش فشار است. به باور او، دولت ترامپ تمایلی به ورود به یک درگیری گسترده ندارد چرا که هزینه‌های آن بسیار سنگین خواهد بود. در عوض واشنگتن تلاش می‌کند با ترکیب فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی، ایران را به سمت پذیرش یک توافق گسترده‌تر سوق دهد؛ توافقی که فراتر از موضوع هسته‌ای، مسائل منطقه‌ای را نیز در بر بگیرد.

این استراتژی محدودیت‌های خاص خود را دارد. افزایش بیش از حد فشار می‌تواند به اختلال در اقتصاد جهانی و افزایش قیمت انرژی منجر شود و در عین حال به ایران فرصت دهد از ابزارهای متقابل استفاده کند. به همین دلیل، آمریکا ناچار است میان تشدید فشار و مدیریت پیامدها تعادل برقرار کند؛ تعادلی که حفظ آن در شرایط فعلی بسیار دشوار به نظر می‌رسد. همین پیچیدگی‌ها باعث شده که محاصره دریایی، اگرچه تنش‌ها را افزایش می‌دهد اما لزوماً به عقب‌نشینی سریع ایران منجر نشود.

در این میان، نشانه‌هایی از انعطاف نسبی در مواضع آمریکا نیز دیده می‌شود. در حالی که در ابتدای مذاکرات، خواسته‌هایی حداکثری از جمله توقف کامل غنی‌سازی و برچیدن تأسیسات هسته‌ای مطرح شده بود اکنون صحبت از پذیرش توقف ۲۰ ساله غنی‌سازی به میان آمده است. این تغییر، هرچند هنوز به‌طور رسمی تأیید نشده اما می‌تواند، نشانه‌ای از تلاش برای رسیدن به یک تفاهم حداقلی باشد؛ تفاهمی که شاید بتواند مسیر بازگشت به مذاکرات جدی‌تر را هموار کند.



تأکید کردند. این همکاری‌ها در بستر چندجانبه‌گرایی و در چارچوب نهادهایی همچون بریکس و سازمان ملل متحد دنبال می‌شود. از سوی دیگر، یکن اعلام کرده است که اواخر سال جاری میلادی، میزبان دومین اجلاس سران چین و کشورهای عربی خواهد بود؛ نشست که هدف آن پیشبرد مذاکرات برای نهایی‌سازی توافق تجارت آزاد میان چین و شورای همکاری خلیج‌فارس است. این روند نشان می‌دهد که چین در حال گسترش نقش خود به‌عنوان یک بازیگر فعال در معماری اقتصادی و سیاسی خاورمیانه است؛ منطقه‌ای که سال‌ها تحت نفوذ سنتی ایالات متحده قرار داشته است. مجموعه این تحولات بیانگر تلاش چین برای ترکیب دیپلماسی اقتصادی و سیاسی در راستای افزایش نفوذ بین‌المللی و ایفای نقش میانجی در بحران‌های حساس منطقه‌ای است.

اروپا

شکست ترامپ اروپا

اوربان در انتخابات باخت

پس از آنکه نتایج رسمی اولیه انتخابات مجارستان نشان داد، حزب اپوزیسیون به رهبری «پتر مگیار» پیشتاز است، ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، شکست خود در انتخابات عمومی را پذیرفت.

اوربان گفت، نتیجه انتخابات «روشن و تلخ» است و به حزب پیروز تبریک گفت. او افزود که از این پس به جایگاه اپوزیسیون خدمت خواهد کرد و «هرگز تسلیم نخواهد شد». این شکست برای چند چهره کلیدی نیز تکان‌دهنده بود: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا؛ بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل؛ و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه. این افراد از متحدان و دوستان برجسته اوربان در اتحادیه اروپا به‌شمار می‌روند.

این احتمال وجود دارد که این شکست، فعالیت و نقش جریان مخالف در مجارستان را در اتحادیه اروپا پایان دهد و راه را برای وام ۹۰ میلیارد یورویی اتحادیه اروپا (۱۰۵ میلیارد دلار) به اوکراین جنگ‌زده باز کند؛ وامی که اوربان آن را به تأخیر انداخته بود. این نتیجه همچنین می‌تواند پوتین را از یکی از مهم‌ترین متحدانش در اتحادیه اروپا محروم کند و شوکی گسترده در میان محافل راست‌گرای غرب - از جمله کاخ سفید - به همراه داشته باشد. اوربان، که ملی‌گرایی («شکاک به اتحادیه اروپا» دارد، نوعی الگو از چیزی را مطرح کرده که به «دموکراسی غیرلیبرال») معروف است. این الگو از سوی دیگر جریان‌ها از جمله جنبش «آمریکا را دوباره بزرگ کنیم» که ترامپ نمایندگی می‌کند به‌عنوان نمونه مورد توجه قرار می‌گیرد. پیش از انتخابات، اسرائیل از احتمال از دست دادن اوربان به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین متحدانش در اتحادیه اروپا نگران بود؛ نگرانی‌هایی که در آن زمان با نشانه‌هایی همراه شد مبنی بر اینکه شانس اوربان در رقابت با رقیب‌اش، پتر مگیار، رو به کاهش است. ترامپ پیش‌تر وعده داد که تمام توان اقتصادی آمریکا را برای کمک به مجارستان به‌کار می‌گیرد، اگر رأی‌دهندگان از متحدش اوربان در انتخابات حمایت کنند؛ وعده‌ای که خشم مگیار را برانگیخت. مگیار واشنگتن را به دخالت در انتخابات متهم کرد.



گزارش

گرفتار موج انفجار

روایت عظیم زرین کوب و همسرش از انفجار خیابان طالقانی

هفته گذشته، در بوجوه جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، در میانه اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای، اتفاقی تلخ رخ داد: حوالی کنیسه‌ای در محله طالقانی تهران با چند انفجار تخریب شد و در پی آن به منزل آخرین بازمانده خانواده زرین کوب؛ یعنی عظیم زرین کوب (برادر کوچک‌تر زندیاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، ادیب و پژوهش‌گر نام‌آشنا) نیز آسیب‌های قابل توجهی وارد شد. خیرنگار خبرگزاری ایسنا دوشنبه ۲۴ فروردین همراه احمد مسجدجامعی، قائم‌مقام رئیس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی که به این محله رفتند، با صحنه‌های دلخراشی مواجه شدند؛ در این محله به علت موج انفجار چندین خانه با آسیب مواجه شده بودند که تعدادی از آن‌ها نیز تخلیه شده و حتی به تخریب کامل و آواربرداری نیاز داشتند. در همین حین با عظیم زرین کوب و همسرش مواجه شدند که درست از روز آتش‌بس با این شرایط دست و پنجه نرم می‌کنند و مشخص نیست چه زمانی می‌توانند به منزل بازگردند. به گفته همسر زرین کوب، خطر درست از بیخ گوش آنها رد شده است؛ چراکه به علت شدت انفجار ممکن بود آسیب ببینند، آن‌هم زمانی که موج انفجار حتی دیوار و در را هم با تغییر شکل رویه‌رو کرده بود. با این حال زرین کوب از این‌گونه کتاب‌هایش در پی این اتفاق آسیب ندیده‌اند، خوشحال است و ماجرا را این‌گونه شرح داد: «پس از انفجار ما را به جادر هلال‌احمر بردند و واقعاً رسیدگی کردند. به همه اطرافیان توجه داشتند، جای و شیرینی دادند. همسایه‌ای پتوی بسیار گرمی آورد و روی من انداخت. حدود دو سه ساعتی آن‌جا بودیم تا این‌که گفتند دیگر اجازه ندارید به خانه برگردید و باید منتظر بمانید تا خبر بدهند چه زمانی می‌توانید بازگردید. گفتند می‌آیند بررسی می‌کنند.» زرین کوب گفت: «هلال‌احمری‌ها واقعاً لطف کردند؛ بدمن ضعیف است و فشار خونم هم بالاست. حتماً از قول من از آن‌ها تشکر کنید.»

او در ادامه درباره کتاب‌هایش هم گفت: «در این خانه حدود ۵۸۰۰ جلد کتاب دارم و مقداری هم آرشیو موسیقی ایران داشتم. البته بخشی از آن را به یک مؤسسه هنری به‌نام پنهون سپردم؛ حدود ۲۰۰۰ کاست به آن‌ها دادم، چون دیگر دستگاهی برای استفاده از آن‌ها پیدا نمی‌شود. با این حال، هنوز خوشحالم که آسیبی به کتاب‌خانه و کتاب‌ها وارد نشده است. چند سال پیش هم خانه‌ام مورد سرقت قرار گرفت و از کتاب‌خانه‌ام دزدی شد. آن قدر ناراحت شدم که کارم به بیمارستان کشید. از آن زمان به‌بعد، پولی در کتاب‌خانه می‌گذارم تا اگر دزدی آمد، همان را بردارد و به کتاب‌ها کاری نداشته باشد. به‌هر حال، آن دزد هم اضطراب دارد، بیچاره می‌آید چیزی ببرد و برود...»

زرین کوب در ادامه با اشاره به مسیر زندگی و دل‌بستگی عمیقش به موسیقی، چنین روایت کرد: «من در آغاز راه، موسیقی خواندم؛ بعد به دانشکده الهیات رفتم، اما دیدم آن‌چه حقیقتاً با جانم پیوند دارد، همان موسیقی است. به تعبیر استاد بزرگ، احمد عبادی (فرزند میرزا عبدالله) که خود از تبار خاندان بنیان‌گذاران دستگاه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی، یعنی میرزا عبدالله و آقا حسینقلی و فرزندش علی‌اکبر شهنازی است، موسیقی را «صدای خدا» می‌دانستند. من هم به همین باور رسیده‌ام؛ هر شب می‌نشینم، تا حوالی ساعت دو، هم مطالعه می‌کنم و هم به این صدای خدا گوش می‌سپارم؛ نوایی که از دل همین گنجینه موسیقی برمی‌خیزد و با جان انسان سخن می‌گوید.» همسر زرین کوب نیز در روایت خود از لحظه حادثه و پیامدهای آن، چنین گفت: «خواب بودیم که با صدای ناهنجار از جا پریدیم؛ همان لحظه برق هم قطع شد. خواستم از اتاق بیرون بیایم، اما در باز نمی‌شد؛ با زحمت زیاد بالاخره بازش کردم. خدا رحم کرد که در روی من نیفتاد. به سختی خودم را به بیرون رساندم. این‌جا چراغی مخصوص گذاشته بودم، اما وقتی خواستم از در ورودی خارج شوم، آن هم باز نمی‌شد. ناچار از پنجره فریاد زدم تا کمک برسد، آمدند و با لگد در را باز کردند و توانستم خارج شوم.» او روایتش را اینطور ادامه داد: «با آن ترس و اضطراب، حتی فرصت نکردیم لباس مناسبی بپوشیم. هر لحظه احتمال می‌دادم دوباره حمله‌ای صورت بگیرد یا ساختمان فرو بریزد. همان‌جا نشستیم؛ همسایه‌ها لطف کردند، پتو آوردند. بعد نیروهای هلال‌احمر جادر برپا کردند و واقعاً کمک بزرگی به ما کردند. بچه‌های هلال‌احمر بسیار خوب و دل‌سوز بودند. در نهایت، ناچار شدیم سرپار خانواده‌ها شوم.» او همچنین درباره حس و حال خود پس از این اتفاق گفت: «با این حال، از نظر روحی حالم بد نیست، اما در این سن و سال، با دو جراحی که پشت‌سر گذاشته‌ام و یک عمل دیگر که در پیش دارم، جابه‌جایی و ترک خانه بسیار دشوار است. می‌دانید، آرامش آدم در خانه خودش معنا دارد؛ هم برای خود انسان، هم برای صاحب‌خانه. اما حالا این شرایط، با خاک و گردوغبار و سر و صدا، کار را سخت کرده است. با همه این‌ها، تنها آرزوی ما این است که صلح در سراسر جهان برقرار شود. برای برآورد خسارت هم آمدند؛ دو سه روز پیش آمدند و گفتند نیاز به بررسی‌هایی هست، اما به‌هر حال رسیدگی می‌کنند. گفتند امکان اسکان در هتل وجود ندارد، چون خسارت جزئی است و اسکان موقت فقط برای کسانی است که خانه‌هایشان آسیب جدی دیده است.» در پایان این دیدار، احمد مسجدجامعی که با اهالی خانه زرین کوب گپ زدن و از احوال کتاب‌ها با خبر شد، قول داد به‌زودی همراه خبرنگاران به این محل بازگردد تا اهالی این خانه سرعت ساخت و ساز را ببینند.



ایران، سیزیف زمانه

جهان امروز، جهان خدایان خشم و خشونت و مرگ است



محمدرضا تاجیک

استاد دانشگاه

محمدرضا تاجیک در یادداشتی برای جماران با تکیه بر فلسفه کامو، عصیان و آگاهی را تنها راه غلبه بر پوچی می‌داند. او ایران امروز را به سیزیفی عاصی تشبیه می‌کند و می‌گوید ایران امروز، همان سیزیفی زمانه ماست:

آلبر کامو، در یکی از نوشتارهای خود به مسأله فتح و احساس فاتح‌بودن در زندگی می‌پردازد. در این نوشتار، از رهگذر بررسی احساس قدرت، شکست، پیروزی و برداشت انسان از این احساس‌های گوناگون و ارتباط آن‌ها با احساس پوچی و آگاهی ما از مسأله پوچی، مورد تأمل قرار می‌دهد. از نظر کامو، انسان از روشنایی به پوچی رسیده است. کامو، معتقد است جهان پوچ و بی‌معنی است. انسان به دلیل همین پوچی دست به خودکشی می‌زند. از نظر کامو، انسان باید بتواند با پذیرش پوچی جهان زندگی کند. چگونه؟ افسانه سیزیف کامو، پاسخی است به این پرسش. این کتاب، اثری است در ستایش عصیان. از نظر او، در جهان پوچ و بی‌معنی فقط می‌توان عصیان کرد. عصیان در برابر پوچی راه‌حل مناسب‌تری است تا خودکشی. «خدایان، سیزیف را محکوم کرده بودند که پیوسته تخته‌سنگی را تا قله‌ی کوه بغلطاند. و از آن‌جا سنگ با تمام وزن خود به پایین

گزارش: سینمای ایران

می‌افتاد، خدایان، به حق اندیشیده بودند که برای انتقام تیبیهی دهشناک‌تر از یهودگی نیست. سیزیف، تاوان عصیان و سرکشی خود را می‌دهد، امسا او مرگ را به اسارت درآورده و از این راه خدایان را عصبانی کرده است... «آن‌گاه سیزیف می‌بیند که سنگ لحظه‌ای چند به جانب این جهان زیرین نزول می‌کند، که از آن‌جا او باید آن را از نو به‌سوی بالا برد. سیزیف، دوباره به‌سوی دشت پایین می‌رود. لحظه‌ی این برگشت و این توقف است که مرا به سیزیف علاقه‌مند می‌کند. چهره‌ای که تا این اندازه نزدیک به سنگ‌ها نقش بسته، اکنون خود سنگ است. من او را می‌بینم که با گامی سنگین ولی شمرده به جانب شکنجه‌ای که پایانی برای آن نمی‌شناسد، پایین می‌رود. این ساعتی که هم‌چون وقفه‌ی استراحتی است و برگشتنش به قدر سیه‌روزی او مسلم است، این ساعت، لحظه‌ی آگاهی است. در هر یک از این لحظاتی که او قله‌ها را ترک گفته، اندک‌اندک به‌سوی مغازه‌ی خدایان فرو می‌رود؛ بر سرنوشت خویش برتری دارد. او نیرومندتر از تخته‌سنگش می‌باشد.» (کامو، سپانلو، ۱۳۸۲: ۱۹۵)

آلبر کامو، آگاهی را برتر از پوچی می‌داند. تنها چیزی که انسان را از عذاب زیستن پوچ نجات می‌دهد این موهبت است که انسان بداند ماهیت زندگی، ماهیتی پوچ است و بعد در دل این پوچی به زندگی آگاهانه و خلاقانه روی بیاورد: «من سیزیف را در دامنه کوه باقی

می‌گذارم. بار سنگین خویش را همواره بازمی‌یابد؛ اما سیزیف عالی‌ترین طرز وفاداری را به‌ما می‌آموزد و خدایان را انکار کرده، تخته‌سنگ‌ها را می‌کند. او نیز، چون ادیب عقیده دارد که همه چیز نیکو است. من بعد این جهان بی‌آمر و صاحب، نه بی‌صالحی و نه مهمل به نظرش می‌آید. هر ذره‌ی این سنگ، هر خشسندگی معدنی این کوهستان مملو از ظلمت، به خودی خود دنیایی را تشکیل می‌دهد. تلاش در جهت قله‌ها از برای انباشتن یک قلب انسانی کافی است. باید سیزیف را خوش‌بخت انگاشت. (همان، ۱۳۸۲: ۱۹۹)

جهان امروز، جهان خدایان خشم و خشونت و مرگ است. گویا در هفت‌آسمان سیاست و قدرت جهان امروز، ماه مهریانی از ابر سیاه پوشیده و خون سیاه نوشیده است، و گویا چشمه‌سار نور و رنگ خوشیده است و جای گل، هرزه‌گیاه رویده است. در زیر این آسمان سیاه‌اندود، مصاف و مغاک اصحاب زر و زور و تزویر برپاست: خدایانی که همواره دست‌اندرکار محکوم و مجازات‌کردن سیزیف‌ها هستند. اما زیر همین آسمان کبود، برخی سیزیف‌ها نیرومندتر از مجازات‌شان شده‌اند و جشن و جنبش عصیان و سرکشی برپا کرده‌اند. آنان، در هیبت انسکار و عدوی خدایان زمینی ظاهر شده‌اند، و این جهان را بی‌آمر و ارباب می‌خواهند. آنان نیک دانسته‌اند که نه یک موجود، که شیوه وجودداشتن هستند، و با این گفته اسپینوزا هم‌آواز شده‌اند که ناتوانان

هنرمندان را طرد نکند

محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده سینما می‌گوید: قدرت هر هنرمند مانند یک موشک است

(سیمرغ بلورین بهترین فیلم در جشنواره سی و هفتم) و ابلق (بهترین فیلم مردمی جشنواره سی و نهم فجر) به‌دست آورده و طی دهه اخیر در زمره پرکارترین تهیه‌کنندگان بوده است.

شکست ترامپ

محمدحسین قاسمی با اشاره به حرف‌های گذشته ترامپ گفت: «همه می‌دانیم که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، گفته بود که به‌خاطر درخواست از سوی برخی ایرانی‌ها دست به حمله زده است که البته این ترفندش شکست خورد. به همین خاطر است که می‌گویم هر صدایی از سوی هنرمندان و سلبریتی‌ها شنیده شود، خوب است، هرچند معتقدم این موضوع نباید عامل تفرقه شود و باید در راستای رسیدن به وحدت باشد».

قاسمی افزود: «اگر چهره‌ها و خواص، صدای مظلومیت مردم ایران و جنایات دشمنان را به گوش دنیا برسانند و باعث شوند صداها پرزنگ‌تر شود، باید تشکر کرد. ولی واقعیت این است که ما از شرایط زندگی دیگران خبر نداریم. در این روزها، وضعیت کشور بحرانی بوده، اینترنتی وجود نداشته و... با وجود همه اینها، باید خودمان را جای هنرمندان قرار بدهیم. اینکه بگوییم «تا الان کجا بودی؟» تفرقه‌انگیز و به سود دشمنان است. معتقدم هرزمانی که عزیزان بتوانند و بیابند صدایشان را به گوش دنیا برسانند، باید خوش‌آمد بگوییم».

او همچنین گفت: «ما هم دوست داریم این صدا زودتر شنیده شود، هرچند باید شرایط آنها را بفهمیم. نباید به آنها توهین شود، چون اینجا بحث وطن وجود دارد و خواهشی که دارم این است که موضوع وطن را نباید با مباحث دیگر قاطی کرد. بعضی از این دوستان طی ماه‌ها و سال‌های گذشته، به‌شدت مورد بی‌مهری قرار گرفته و ناملایماتی دیده‌اند و ناراحت هستند. از نظر من، به‌جای تهدید و خشم باید از آنها دلجویی کنیم و بگوییم اگر ناملایماتی هم بوده، از طرف ایران نبوده، بلکه از سوی مدیران نالایق بوده است. نباید به‌جای دلجویی، روند دیگری را پیش بگیریم. فاصله‌ای بین هنرمندان و مردم وجود ندارد و به‌شخصه مطمئن هستم بسیاری از بازیگران و هنرمندان، از خیلی مدعیان دوقطبی‌ساز، ایران و وطن‌شان را دوست دارند».

دعوت از هنرمندان

«من خودم از همین‌جا دعوت می‌کنم اگر ممکن است، هنرمندان و سلبریتی‌ها وارد میدان شوند، چراکه هر پیام و هر صدایی برای ایران به‌اندازه بمب و موشک کارایی دارد. امیدوارم که همه بتوانند در میدان حضور داشته باشند، اما عدم‌حضورشان نیز باید درک شود. بازهم

تهیه‌کننده بامداد خمار و سووشون معتقد است که به‌جای برخورد قهرآمیز و تند با هنرمندان و چهره‌های مطرح سینمایی، باید از آنها دلجویی کرد. چهل روز جنگ و سپس آتش‌بس! زندگی مردم ایران را تحت‌تأثیر قرار داد و تولیدات سینمایی و سریال‌ها نیز از این قاعده مستثنا نبودند. شوک حملات سنگین به شهرهای مختلف ایران، باعث شد تا تقریباً مشاغل زیادی به تعطیلی اجباری بروند. حالا اما بعد از گذشت چند روز از آتش‌بس، زندگی به‌تدریج شکل طبیعی خود را پیدا می‌کند، هرچند هنوز همه چیز متأثر از جنگ است. جنگی که واکنش‌های زیادی را برانگیخته و حتی برخی از هنرمندان را به تولید و ساخت آثار مریتپ با حوادث جنگ اخیر واداشته است. از سوی دیگر حالا اظهارنظرهای برخی از چهره‌های مطرح سینما، با واکنش‌های تازه و متفاوتی مواجه شده، به طوری که پست‌ها و سخنان‌شان به علت دیر مطرح‌شدن، زیرتغ انتقادات تیز برخی رسانه‌ها و کاربران قرار گرفته است.

محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده سینما اما در این رابطه معتقد است: «در مورد سلبریتی‌ها و هنرمندان، اعتقادی که به‌شخصه دارم این است که هر صدایی و در هر زمانی شنیده شود، چه توتیت، چه پست و یا گفت‌وگو، خوب است».

محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده سینما و همسر نرگس آبیاری، کارگردان شاخص سینمای ایران است. او از سال ۱۳۹۱ و با فیلم «اشیا از آنچه در آینه می‌بینید به شما نزدیک‌ترند» ساخته نرگس آبیاری پا به عرصه تولید فیلم و سریال گذاشت و طی مدت نزدیک به پانزده سال آثار مختلفی را تولید کرد. او بیشتر تهیه‌کننده آثار همسرش بوده ازجمله ابلق، شبی که ماه کامل شد، نفس و شیار ۱۴۳ در سینما و دو سریال «بامداد خمار» و «سووشون». اما تمام کارنامه او به همکاری با نرگس آبیاری محدود نمی‌شود و او طی این سال‌ها، «ناسور» ساخته کیانوش دلوند، «آبچی» ساخته مرجان اشرفی‌زاده، «مصادره» و «سگ‌بند»، هر دو ساخته مه‌رمان احمدی و همچنین سریال «سال‌های دور از خانه» ساخته مجید صالحی را به‌عنوان تهیه‌کننده در کارنامه دارد. آخرین همکاری‌های قاسمی و نرگس آبیاری دو سریال پرطرفدار و بحث‌برانگیز ماه‌های اخیر پلنترم‌های نمایشی، به‌نام «بامداد خمار» و «سووشون» بوده است. هرچند هر دو سریال در حال حاضر مانند دیگر سریال‌هایی که مخاطبان منتظر پخش قسمت‌های تازه‌اش هستند، فعلاً متوقف شده و مشخص نیست که چه زمانی پخش مجدد آنها آغاز خواهد شد. او سه جایزه جشنواره فیلم فجر را به‌خاطر فیلم‌های شیار ۱۴۳ (بهترین فیلم مردمی در جشنواره سی و دوم)، شبی که ماه کامل شد



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ

گزارش: سینمای جهان

پیش‌بینی خطرناک

صحبت‌های جنجالی امینم درباره ترامپ دوباره وایرال شد

صحبت‌های امینم رپر مشهور، درباره دونالد ترامپ در دوران نخست ریاست‌جمهوری او دوباره در فضای مجازی وایرال شده است. طی روزهای اخیر، چهره‌های مطرح عالم هنر در آمریکا و دیگر کشورها، مواضع و انتقادات تندی را علیه مواضع و سیاست‌های دونالد ترامپ مطرح کرده‌اند. ستارگانی چون جرج کلونی، بروس اسپرینگستین، مریل استریپ، رابرت دنیرو، جین فوندا، جوان بازر، مارک رافلو و... و بسیاری دیگر از نام‌های مطرح، بعد از حمله به ایران، اعتراضات سخت و جدی خودشان را نسبت به رئیس‌جمهور ایالات متحده ابراز کردند و برخی مانند بروس اسپرینگستین و جرج کلونی، کارشان با او به جدال جدی لفظی هم کشید. امینم، رپر سرشناس آمریکایی نیز همواره یکی از منتقدان جدی سیاست‌های آمریکا و البته دونالد ترامپ بوده است و حالا در روزهایی که ترامپ به واسطه آغاز جنگی دیگر برای این کشور، تحت فشار رسانه‌ای است، مصاحبه‌هایی از این موزیسین مشهور دوباره در فضای مجازی وایرال شده است.

بزرگ‌ترین عامل نگرانی

این رپر ۵۳ ساله در دسامبر ۲۰۱۷ روی جلد مجله کامپلکس حضور داشت. در مصاحبه مربوط به این کاور، از امینم پرسیده شد چه چیزی در آمریکا برایش نگران‌کننده است. این سوال کمی بیش از یک سال پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ مطرح شد. پاسخ امینم حالا دوباره، نزدیک به یک دهه بعد و در حالی که ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش قرار دارد، وایرال شده است. امینم گفت: «بدیهی است که ترامپ» مهم‌ترین عامل نگرانی او درباره آمریکا است. او پس از مکتبی کوتاه برای پیدا کردن واژه‌ها، توضیح داد: «خیلی عجیب است که می‌بینی او چطور برای پایگاه رأی‌دهندگان بازی می‌کند؛ کسانی که فکر می‌کنند او به آنها اهمیت می‌دهد، در حالی که در واقع، آنها همان کسانی هستند که او کمترین اهمیت را برایشان قائل است».

او ادامه داد: «اگر درباره بدنه اصلی حامیان صحبت کنیم که عمدتاً طبقه متوسط سفیدپوست هستند، چیزی که من نمی‌فهمم این است که چطور فکر می‌کنید می‌توانید با یک میلیارد ارتباط برقرار کنید؛ کسی که در تمام زندگی‌اش هیچ‌وقت سختی نکشیده است؟» این رپر همچنین گفت: «کسی که به خاطر خار استخوانی، از خدمت سربازی فرار کرد؛ فکر می‌کنید چنین فردی قرار است برای شما بجنگد؟ او با معافیت‌های مالیاتی‌اش هم نشان داده که به نفع طبقه متوسط نیست. البته باید بگویم که خوب حرف می‌زند».

اعلام خطر

اکنون که رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ جنگی علیه ایران به راه انداخته، نگرانی‌ها در جوامع غربی درباره حرکت ایالات متحده به سمت یک جنگ هسته‌ای در حال افزایش است. با این حال، امینم تقریباً یک دهه پیش به این موضوع اشاره کرده بود؛ زمانی که در دوران نخست ریاست‌جمهوری ترامپ به شدت از او انتقاد کرد. در ویدیویی که اخیراً دوباره منتشر شده و مربوط به مراسم «جوایز هیپ‌هاپ شبکه بی‌بی‌تی سال ۲۰۱۷» است، این خواننده در یک بداهه‌خوانی چهار و نیم دقیقه‌ای که در یک پارکینگ در دیترویت ضبط شده بود، به عادات توئیتی، سیاست‌ها و دیدگاه‌های ترامپ تاخت. امینم در این اجرا، ترامپ را «یک کامیکاز که احتمالاً باعث یک هولوکاست هسته‌ای خواهد شد» توصیف کرد و همچنین از او به دلیل حملات مکرر به اعتراضات سرود ملی در «لیگ ملی فوتبال آمریکا» انتقاد کرد. او در بخشی از رپ خود گفت: «اما این روش او برای منحرف کردن افکار است. او وقتی به لیگ ملی فوتبال آمریکا حمله می‌کند واکنش بزرگی می‌گیرد، و همین باعث می‌شود ما به جای صحبت درباره پورتوریکو یا اصلاح قوانین اسلحه در نوادا، روی آن تمرکز کنیم. این همه ترازدی وحشتناک اتفاق می‌افتد، اما او حوصله‌اش سر رفته و ترجیح می‌دهد با تیم گرین‌بی پکرز یک توفان توئیتی راه بیندازد».

در ادامه، او به بازیکن سابق لیگ ملی فوتبال آمریکا، کالین کیرنیک، اشاره کرد که نقش مهمی در آغاز اعتراضات سرود ملی داشت. امینم همچنین طرح کاهش مالیات ترامپ را که همان سال اعلام شده بود زیر سوال برد و گفت: «پس چه کسی قرار است هزینه سفرهای پرخرج او به زمین‌های گلف و عمارت‌هایش را بپردازد؟» سال‌ها پس از آن اجرا، به نظر می‌رسد امینم همچنان به شدت با ترامپ مخالف است.



می‌کردند، بنگرد و خداوند گفت همانا همه یک قوم‌اند و یک زبان و اگر از این کار جلوگیری نکنم، دیگر از انجام هیچ چیز روی برنخواهند تافت. پس، اکنون زبان ایشان را مشوش سازیم، بدان‌سان که دیگر سخن یکدیگر را نتوانند درک کنند و خداوند آنان را از آن‌جا به روی سراسر زمین پراکنده ساخت و از آن روی آن‌جا را بابل می‌نامند، چون در آن‌جا خداوند زبان تمامی مردم را مشوش ساخت».

۵

کس چه می‌داند؟ شاید هنگام و هنگامه فرود آمدن خداوند و ویرانی برج بابل خدایگان زر و زور و تزویر جهانی فرارسیده است.

منبع: جماران

۴ احتمالاً می‌دانید آیات اول تا نهم باب یازدهم کتاب مقدس با عنوان «سفر پیدایش»، داستان نحوه ساخت و تخریب برج بابل را چنین بازگو می‌کند: «و در آغاز تمام جهان را یک زبان و یک لغت بود و چون به سوی مشرق کوچ می‌کردند، در سرزمین شنعار مکانی هموار یافتند و در آن‌جا منزل گزیدند و به یکدیگر گفتند بیایید تا خشت‌ها بسازیم و از آن‌ها آجر بپزیم و آنان به جای سنگ، آجر به کار بردند و به جای گچ، از قیر بهره جستند؛ و به یکدیگر گفتند بیایید تا برای خود شهری بنا کنیم و برچی را که سرش به آسمان برسد و نامی برای خویشتن بیابیم. مبادا بر روی زمین پراکنده گردیم، و خداوند از آسمان فرود آمد تا شهر و برچی را که فرزندان آدم بنا

برده‌اند و بردگی وجهی از زندگی است... ناتوانان زندگی غم‌زده‌ای دارند... آن‌ها به حاکمیت غم تن داده‌اند، سیزیف‌های سرکش و عاصی، مردمانی شاد هستند، حتی آن‌زمان که از منجیق آسمان بر سر آنان غم می‌بارد. شادی، بدن‌های عاصی از انقیاد آنان را به وجد (شورش) آورده، و امکانی دیگر برای شکل‌گیری بدنی دیگر - که درباره آن خدایان نمی‌دانند که چه می‌تواند بکنند - را در اختیار آنان قرار داده است. ایران امروز، همان سیزیف زمانه ماست، همان بدن عاصی و سرکشی که خدایان قدرت هرگز نمی‌دانند که چه می‌تواند بکند و نمی‌دانند که خدای‌شان برج بابل آنان را چگونه و چطور فرو خواهد ریخت.

نامه به آکادمی اسکار

طی روزهای جنگ، نرگس آبیاری، کارگردان و همسر محمدحسین قاسمی، نامه‌ای به آکادمی اسکار در راستای شکستن سکوت هنرمندان نسبت به انجام جنایات جنگی توسط آمریکا و اسرائیل نوشت. قاسمی در این باره گفت: «ما هم مثل بسیاری از اهالی هنر در تلاش برای رساندن صدای ایران به جهان، نامه‌ای به آکادمی اسکار و انجمن فیلم آمریکا نوشتیم. البته که در برابر کارهایی که دیگر دوستان انجام دادند، کار کوچکی بود».

قاسمی در انتها با اشاره به اینکه این جنگ نیز تبدیل به سبک روایی تازه‌ای در سینمای ایران خواهد شد، گفت: «سینما امانت‌دار وقایع زندگی است. نوعی صندوق امانات است که همه چیز را ثبت و به موقع بازخوانی و روایت می‌کند. در دوران جنگ تحمیلی با عراق، سینمای دفاع مقدس شکل گرفت و معتقدم جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان نیز روی هنر و آثار سینمایی تأثیرگذار خواهد بود. وظیفه ما و دیگر اهالی سینما این است که راوی صادق این حوادث تاریخی باشیم».

می‌گویم باید از آنها دلجویی شده و به آنها توضیح داده شود. نباید ماه‌ها و سال‌ها مورد توهین و اتهام قرار بگیرند و حالا حس کنند مورد استفاده ابزاری قرار می‌گیرند». این تهیه‌کننده، این جماعات را گفت و در ادامه اضافه کرد: «مشکلی که آمریکا و اسرائیل درباره ایران داشتند، به عدم شناختشان از مردم و فرهنگ ایران برمی‌گشت. آنها نمی‌دانستند که ایرانی قرن‌ها تجربه زیست و تاریخ داشته و برای ایرانی میهن و وطن معنای عمیقی دارد. نمی‌توان معنای وطن برای ایرانی را با اسرائیل که یک گروه اشغالگر از ملیت‌های مختلف دورهم جمع شده‌اند، مقایسه کرد. کشور آمریکا هم ریشه تاریخی به آن شکل ندارد، هر چند سال‌هاست هالیوود تلاش دارد که معنای وطن را برای آمریکایی‌ها با شعارهایی نظیر «کشور فرصت‌های استثنایی» بسازد. اما معنای وطن و میهن برای ایرانی که تجربه زیستی، تمدن و فرهنگ هزاران ساله دارد، متفاوت است و آنها حالا فهمیده‌اند که هیچ فرد ایرانی در برابر تجاوز به کشورش کوتاه نمی‌آید. من آن کسانی که اشتباه کرده و به اسم ایرانی، خواهان جنگ شده‌اند را گروهی می‌دانم که فقط زبان‌شان فارسی است اما ایرانی نیستند. کسانی که اینجا هستند، همه پای ایران ایستاده‌اند و دوستان دست‌اندرکار باید تمام توان‌شان را برای حفظ وحدت و انسجام ملی به کار بگیرند».





سال نهم شماره ۲۲۰۶
چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۵

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

سه مانع بزرگ

چرا ایران و آمریکا به توافق نمی‌رسند؟

جواد خراسانی
<div>مترجم</div>

اگر فرض را بر این بگذاریم که ایران و آمریکا تلاش می‌کنند به توافقی پایدار دست یابند، آن وقت می‌توانیم این گزاره را نیز مطرح کنیم که شکست یا دشواری در دستیابی به توافق میان دو کشور نه به یک عامل بلکه به مجموعه‌ای از موانع ساختاری و سیاسی بازمی‌گردد که در طول زمان انباشته شده‌اند. بر اساس تحلیل‌های مختلف، می‌توان سه مانع اصلی را به‌عنوان موانع بزرگ توافق ایران و آمریکا شناسایی کرد.

این سه عامل به شکاف عمیق بر سر برنامه هسته‌ای، بی‌اعتمادی متقابل و ساختارهای سیاسی داخلی در دو کشور برمی‌گردد. این سه عامل درهم تنیده‌اند و هرگونه تلاش برای توافق را پیچیده و شکننده می‌کنند. نخستین و مهم‌ترین مانع، اختلاف بنیادین بر سر ماهیت و محدودیت‌های برنامه هسته‌ای ایران است. در مذاکرات ایالات متحده معمولاً خواستار محدودیت‌های بلندمدت، گسترده و قابل‌راستی‌آزمایی است؛ درحالی که ایران این خواسته‌ها را تهدیدی برای حاکمیت و امنیت ملی خود تلقی می‌کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که حتی در مذاکرات اخیر، اختلاف بر سر مدت و دامنه محدودیت‌ها– برای مثال توقف طولانی‌مدت غنی‌سازی– به نقطه بن‌بست تبدیل شده است. این شکاف صرفاً فنی نیست بلکه ریشه در نگاه متفاوت دو طرف به «حق» و «تهدید» دارد: ایران برنامه هسته‌ای را حق خود می‌داند، درحالی که آمریکا آن را بالقوه تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای و جهانی تلقی می‌کند. همین تضاد ادراکی باعث می‌شود حتی توافقی‌های موقت نیز ناپایدار باشند زیرا هر طرف نگران است که دیگری در بلندمدت از توافق عدول کند.

دومین مانع، بی‌اعتمادی عمیق و تاریخی میان دو کشور است؛ عاملی که به‌گفته اکونومیست، حتی مهم‌تر از اختلافات فنی عمل می‌کند. تجربه مذاکرات گذشته نشان داده که اقدامات هم‌زمان دیپلماتیک و نظامی– مانند حملات یا تهدیدها در حین گفت‌وگو– اعتماد را به‌شدت تضعیف کرده است. از دید ایران، خروج آمریکا از توافقی‌های قبلی یا تغییر ناگهانی سیاست‌ها این نگرانی را ایجاد کرده که هیچ تضمین پایداری برای اجرای تعهدات وجود ندارد. در مقابل، آمریکا نیز به نیت و رفتار منطقه‌ای ایران بدبین است و نگران است که هرگونه کاهش فشار به تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی تهران منجر شود. این چرخه بی‌اعتمادی باعث می‌شود هر توافقی نیازمند تضمین‌های بسیار پیچیده و پرهزینه باشد، تضمین‌هایی که خود به مانعی جدید تبدیل می‌شوند. سومین مانع محدودیت‌های سیاسی داخلی در هر دو کشور است که فضای مانور مذاکره‌کنندگان را محدود می‌کنند. در ایران ساختار قدرت چندلایه و حضور جریان‌های تندرو باعث می‌شود هرگونه امتیازدهی به آمریکا با هزینه سیاسی بالا همراه باشد. تجربه‌های گذشته نیز نشان داده که توافق با غرب می‌تواند به تقویت یا تضعیف جناح‌های مختلف داخلی منجر شود و همین موضوع تصمیم‌گیری را پیچیده‌تر می‌کند. از سویی دیگر در آمریکا نیز سیاست ایران به‌شدت تحت تأثیر رقابت‌های حزبی و فشارهای کنگره است. هر دولتی که بر سر کار باشد یا این ریسک مواجه است که توافقی که امروز امضا می‌کند، در آینده توسط دولت بعدی کنار گذاشته شود. این بی‌ثباتی سیاسی، اعتبار تعهدات آمریکا را از نگاه طرف ایرانی کاهش می‌دهد و انگیزه برای مصالحه را تضعیف می‌کند. این سه مانع در عمل یکدیگر را تقویت می‌کنند. اختلاف بر سر برنامه هسته‌ای باعث افزایش بی‌اعتمادی می‌شود، بی‌اعتمادی نیاز به تضمین‌های سخت‌تر را افزایش می‌دهد و این تضمین‌ها در فضای سیاسی داخلی هر دو کشور به‌سختی قابل پذیرش هستند. در نتیجه حتی زمانی که مذاکرات به پیشرفت‌های ظاهری می‌رسند، یک اختلاف کلیدی– آنگونه که در گزارش اکونومیست اشاره شده «تنها نکته‌ای که واقعاً اهمیت دارد»– می‌تواند کل روند را متوقف کند. در نهایت، تحلیل نهایی نشان می‌دهد که مشکل اصلی نه فقدان گزینه‌ها بلکه «بد بودن همه گزینه‌ها» است. هر مسیر– چه توافق، چه ادامه فشار، چه تشدید تنش– هزینه‌های قابل‌توجهی دارد. به همین دلیل دو کشور در وضعیتی گرفتار شده‌اند که تصمیم‌گیری در آن دشوار است: توافق نیازمند امتیازدهی سیاسی پرهزینه است اما عدم توافق نیز به تشدید بحران‌های اقتصادی و امنیتی منجر می‌شود. این بن‌بست ساختاری توضیح می‌دهد که چرا با وجود تلاش‌های مکرر، رسیدن به یک توافق پایدار همچنان دور از دسترس باقی مانده است.

منبع: اکونومیست

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

قمار آمریکایی

کدام کشورها از محاصره تنگه هرمز نفع می‌برند و کدام کشورها زیان می‌بینند؟

مهتا معرفت

مترجم

آمریکا با محاصره تنگه هرمز، مدعی است که می‌خواهد ایران را به زانو درآورد اما در نظر نمی‌گیرد که محاصره تنگه هرمز صرفاً یک بحران منطقه‌ای نیست بلکه شوکی استراتژیک به یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی جهان محسوب می‌شود. تصمیمی که اگرچه می‌تواند، درآمدهای نفتی ایران را کاهش دهد اما با آثاری که به‌دنبال دارد، اقتصاد جهانی را نیز تحت‌فشار قرار می‌دهد. می‌پرسید چرا؟ چون تنگه هرمز یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان است و بخش قابل‌توجهی از نفت جهانی از آن عبور می‌کند. بنابراین هرگونه اختلال در آن نه‌فقط ایران بلکه کل بازار انرژی جهانی و کشورهای منطقه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این یک واقعیت است که اقتصاد ایران به‌شدت به صادرات نفت وابسته است و زیرساخت‌های صادراتی آن نیز بسیار متمرکز هستند. به‌ویژه جزیره خارک نقش کلیدی دارد و تقریباً ستون فقرات صادرات نفت ایران محسوب می‌شود. اگر این مسیر مختل شود، ایران عملاً بخش بزرگی از درآمد ارزی خود را از دست می‌دهد اما در عین حال همین وابستگی شدید به یک نقطه‌ضعف استراتژیک برای ایران تبدیل شده است. به این شکل که در صورت اعمال محاصره، می‌تواند اثرات اقتصادی زیادی به همراه داشته باشد.

در صورت بسته شدن یا ناامن شدن مسیر، فروش نفت یا به‌طور کامل متوقف می‌شود یا با هزینه‌های سنگین‌تر، تخفیف‌های بیشتر و ریسک بالاتر انجام می‌گیرد که به کاهش شدید درآمد خالص می‌انجامد. این کاهش درآمد ارزی بلافاصله خود را در بازار ارز نشان می‌دهد و با افزایش نرخ ارز، فشار تورمی شدیدی به اقتصاد وارد می‌کند به‌ویژه در اقتصادی که وابستگی بالایی به واردات کالاهای واسطه‌ای، مواد اولیه و برخی کالاهای اساسی دارد. در سطح بودجه دولت، افت صادرات نفت به معنی کسری بودجه بزرگ‌تر است زیرا حتی در سال‌هایی که سهم نفت در بودجه رسمی کاهش یافته در عمل دولت همچنان به منابع ارزی و ریالی ناشی از آن وابسته است. کاهش درآمد نفتی دولت را ناچار می‌کند یا هزینه‌ها را کاهش دهد که معمولاً به رکود اقتصادی و افت خدمات عمومی منجر می‌شود، یا به سمت استقراض از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی برود که نتیجه آن تورم بالاتر و کاهش قدرت خرید خانوارهاست. هم‌زمان توان دولت برای اجرای سیاست‌های حمایتی، پرداخت یارانه‌ها و تثبیت قیمت‌ها نیز تضعیف می‌شود. در بخش واقعی اقتصاد، اختلال در صادرات نفت زنجیره‌ای از اثرات منفی ایجاد می‌کند. صنایع وابسته به ارز خارجی برای واردات تجهیزات و مواد اولیه با مشکل مواجه می‌شوند، تولید کاهش می‌یابد و بیکاری افزایش پیدا می‌کند. همچنین هزینه حمل‌ونقل دریایی به دلیل افزایش ریسک‌های امنیتی و بیمه‌ای بالا می‌رود حتی برای کالاهای غیرنفتی که این موضوع، رقابت‌پذیری صادرات غیرنفتی ایران را هم تضعیف می‌کند. در نتیجه، تراز تجاری غیرنفتی نیز ممکن است بدتر شود و فشار مضاعفی بر بازار ارز وارد کند. در

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

حمله به اقتصاد

اقتصاد ایران چقدر از جنگ تأثیر پذیرفته است؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد که تشدید درگیری نظامی علیه ایران تنها به میدان جنگ محدود نمانده و به‌سرعت به عرصه اقتصاد کلان و معیشت خانوارها سرایت کرده است؛ به‌گونه‌ای که مجموعه‌ای از شوک‌های هم‌زمان، از کاهش رشد اقتصادی تا افزایش فقر، چشم‌انداز اقتصادی کشور را با عدم قطعیت جدی مواجه کرده است. بر اساس ارزیابی‌های منتشر شده، نخستین و مهم‌ترین پیامد اقتصادی جنگ، ورود اقتصاد ایران به یک دوره انقباض شدید است. در شرایطی که پیش از این نیز اقتصاد با چالش‌هایی مانند تحریم، تورم بالا و کاهش قدرت خرید مواجه بود، درگیری نظامی به‌عنوان یک شوک مضاعف عمل کرده است. برآوردها نشان می‌دهد، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی ممکن است بین ۸.۸ تا ۱۰.۴ واحد درصد کمتر از حالت عادی باشد؛ رقمی که به‌معنای کاهش محسوس فعالیت‌های اقتصادی، افت تولید و محدود شدن ظرفیت‌های اشتغال‌زایی است. این کاهش رشد عمدتاً ناشی از اختلال در زیرساخت‌های حیاتی،

حوزه مالی و سرمایه‌گذاری، افزایش نااطمینانی ژئوپلیتیکی باعث فرار سرمایه و کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌شود. پروژه‌های بزرگ به تعویق می‌افتند یا متوقف می‌شوند و هزینه تأمین مالی برای بنگاه‌ها افزایش می‌یابد. بازارهای مالی داخلی نیز با نوسان شدید مواجه می‌شوند؛ بورس ممکن است دچار افت اعتماد و خروج نقدینگی شود، درحالی که بازارهای دریایی مانند طلا و ارز با افزایش تقاضای سفته‌بازانه روبه‌رو می‌شوند. از منظر زیرساختی و لجستیکی، تمرکز بالای صادرات نفت ایران بر پایه‌هایی مانند خارک یک ریسک ساختاری ایجاد می‌کند. در شرایط محاصره، نبود مسیرهای جایگزین کافی مانند خطوط لوله به بنادر خاراج از خلیج‌فارس، انعطاف‌پذیری صادرات را به‌شدت محدود می‌کند. حتی اگر بخشی از صادرات از مسیرهای جایگزین انجام شود، ظرفیت محدود و هزینه بالاتر آنها مانع جبران کامل خواهد بود. در سطح کلان‌تر، کاهش درآمد ارزی و افزایش تورم به افت سطح رفاه عمومی منجر می‌شود. قدرت خرید خانوارها کاهش می‌یابد، نابرابری تشدید می‌شود و فشار بر طبقات متوسط و پایین افزایش پیدا می‌کند. این وضعیت می‌تواند به کاهش مصرف داخلی، تعمیق رکود و شکل‌گیری چرخه معیوب رکود-تورم بینجامد. در عین حال، هزینه‌های دولت برای مدیریت تبعات اجتماعی و اقتصادی افزایش می‌یابد، درحالی که منابع‌اش محدودتر شده است.

از سوی دیگر محاصره یا اختلال جدی در تنگه هرمز به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انتقال انرژی جهان بلافاصله عرضه جهانی نفت و گاز را دچار شوک می‌کند زیرا بخش قابل‌توجهی از صادرات نفت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس از این مسیر عبور می‌کند. در چنین شرایطی، کاهش عرضه فیزیکی انتظارات بازار را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و موجب جهش سریع قیمت نفت در بازارهای جهانی می‌شود. این افزایش قیمت به‌سرعت به سایر بازارهای انرژی مانند گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی نیز سرایت می‌کند و هزینه انرژی را در سطح جهانی بالا می‌برد. افزایش قیمت انرژی یکی از اصلی‌ترین محرک‌های تورم جهانی است. با بالا رفتن هزینه سوخت، قیمت حمل‌ونقل، تولید و توزیع کالاها افزایش می‌یابد و این فشار به مصرف‌کنندگان در سراسر جهان منتقل می‌شود. اقتصادهای واردکننده انرژی، به‌ویژه در اروپا و آسیا، بیشتر آسیب را می‌بینند، زیرا وابستگی بالایی به واردات نفت و گاز دارند. این کشورها با افزایش کسری تجاری، کاهش ارزش پول ملی و فشار بر تراز پرداخت‌ها مواجه می‌شوند. شوک انرژی معمولاً به کاهش رشد یا حتی رکود در اقتصادهای بزرگ منجر می‌شود. افزایش هزینه تولید باعث کاهش حاشیه سود بنگاه‌ها، افت سرمایه‌گذاری و کاهش تقاضای کل می‌شود. هم‌زمان بانک‌های مرکزی که با تورم بالاتر مواجه هستند، ممکن است ناچار به حفظ یا افزایش نرخ بهره شوند که این امر شرایط مالی را سخت‌تر کرده و رشد اقتصاد را بیشتر محدود می‌کند. این ترکیب تورم بالا و رشد پایین، خطر رکود تورمی در اقتصاد جهانی را افزایش می‌دهد. بازارهای مالی نیز به‌شدت واکنش نشان می‌دهند. افزایش نااطمینانی ژئوپلیتیکی باعث نوسان شدید در بازارهای سهام، افزایش قیمت دارایی‌های امن مانند طلا و تغییر جریان

سرمایه به سمت اقتصادهای باثبات‌تر می‌شود. همچنین هزینه بیمه و حمل‌ونقل دریایی در منطقه خلیج‌فارس به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد که این امر هزینه تجارت جهانی را بالا می‌برد و زنجیره‌های تأمین را مختل می‌کند. در حوزه تجارت جهانی، اختلال در تنگه هرمز می‌تواند باعث تأخیر در تحویل کالاها، افزایش هزینه‌های لجستیکی و حتی کمبود برخی مواد اولیه و انرژی در صنایع شود. بسیاری از صنایع بزرگ، از پتروشیمی گرفته تا تولید برق و حمل‌ونقل، به جریان پایدار انرژی وابسته هستند و هرگونه اختلال می‌تواند، تولید را کاهش دهد و قیمت‌ها را افزایش دهد. این وضعیت به‌ویژه برای کشورهایی که زیرساخت‌های جایگزین محدودی دارند، بحرانی‌تر است.

محاصره تنگه هرمز یک شوک سیستماتیک برای اقتصاد جهانی محسوب می‌شود که از طریق افزایش قیمت انرژی، تشدید تورم، کاهش رشد اقتصادی، اختلال در تجارت و افزایش نااطمینانی مالی تقریباً همه کشورها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند به بی‌ثباتی گسترده در اقتصاد جهانی منجر شود.

در ایسن میان چین که بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است بیشتر از دیگر کشورها از این تصمیم زیان می‌بیند. چون هرگونه اختلال در تنگه هرمز-نه‌تنها هزینه انرژی این کشور را افزایش می‌دهد بلکه مستقیماً بر بخش تولید، صادرات و رشد اقتصادی آن اثر می‌گذارد. با توجه به نقش چین در زنجیره تأمین جهانی، این شوک می‌تواند اثرات دومینویی بر اقتصاد جهان نیز داشته باشد. هند نیز که به‌شدت به واردات نفت وابسته است و سهم بزرگی از آن از کشورهای خلیج‌فارس می‌آید. افزایش قیمت نفت و اختلال در عرضه، کسری حساب جاری هند را تشدید می‌کند، فشار بر رویه را افزایش می‌دهد و تورم داخلی را بالا می‌برد که برای اقتصادی با جمعیت بالا و حساسیت اجتماعی به قیمت انرژی بسیار پرهزینه است. ژاپن و کره جنوبی نیز در معرض آسیب جدی قرار دارند. این دو کشور تقریباً هیچ منابع انرژی داخلی قابل‌توجهی ندارند و وابستگی بسیار بالایی به واردات نفت و گاز دارند. بخش عمده این واردات از مسیر تنگه هرمز عبور می‌کند بنابراین هرگونه اختلال می‌تواند به‌سرعت هزینه تولید صنعتی را افزایش داده و رشد اقتصادی آنها را کاهش دهد. از آنجا که این اقتصادها به‌شدت صنعتی و صادرات‌محور هستند، افزایش هزینه انرژی مستقیماً رقابت‌پذیری آنها را تضعیف می‌کند. کشورهایمانند آلمان و ایتالیا نیز آسیب می‌بینند اما شدت آن معمولاً کمتر از آسیاست زیرا تنوع بیشتری در منابع تأمین انرژی دارند.

اقتصادهایی مانند پاکستان، بنگلادش و بسیاری از کشورهای آفریقایی واردکننده انرژی به‌طور نامتناسبی آسیب می‌بینند. این کشورها هم وابستگی بالایی به واردات سوخت دارند و هم از نظر مالی و ارزی شکنندتر هستند بنابراین افزایش قیمت انرژی می‌تواند به بحران‌های ارزی، تورم شدید و حتی ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود. در مقابل، برخی صادرکنندگان انرژی خارج از منطقه خلیج‌فارس، مانند ایالات متحده آمریکا، روسیه و نروژ ممکن است در کوتاه‌مدت از افزایش قیمت‌ها منتفع شوند، هرچند آنها نیز از بی‌ثباتی بازار جهانی و کاهش رشد اقتصاد جهانی بی‌تأثیر نمی‌مانند.

بیش از ۳۰ درصدی قیمت جهانی نفت در مراحل اولیه بحران، اگرچه در نگاه اول می‌تواند برای یک کشور نفتی فرصت تلقی شود اما در عمل با افزایش هزینه واردات، تشدید تورم و بی‌ثباتی بازارها همراه بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که در شرایط محدودیت صادرات و اختلال در زیرساخت‌ها، افزایش قیمت جهانی انرژی لزوماً به نفع اقتصاد ایران عمل نمی‌کند. از سویی دیگر، آسیب به زیرساخت‌های کلیدی مانند انرژی و مسیرهای تجاری، توان تولید و صادرات کشور را تضعیف کرده است. این اختلالات نه‌تنها در کوتاه‌مدت باعث کاهش درآمدهای ارزی می‌شوند بلکه در بلندمدت نیز روند سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی را مختل می‌کنند. در چنین شرایطی، نااطمینانی افزایش یافته و فعالان اقتصادی تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری یا توسعه فعالیت‌های خود دارند. با وجود این فشارها، برخی تحلیل‌ها تأکید می‌کنند که اقتصاد ایران هنوز به مرحله «بحران کامل» نرسیده است. این بدان معناست که اگرچه شاخص‌های اقتصادی به‌شدت تضعیف شده‌اند اما ظرفیت‌هایی برای مدیریت شرایط و جلوگیری از فروپاشی کامل وجود دارد. با این حال ادامه وضعیت فعلی می‌تواند این تعادل شکننده را برهم بزند و اقتصاد را به سمت بحران عمیق‌تری سوق دهد. در مجموع، آنچه از این گزارش‌ها برمی‌آید این است که جنگ، اقتصاد ایران را در چندین جنبه به‌طور هم‌زمان تحت فشار قرار داده است: از کاهش رشد و تولید گرفته تا افزایش فقر، افت مصرف، تشدید تورم و تضعیف زیرساخت‌ها. این ترکیب از شوک‌ها، اگر تداوم یابد، می‌تواند پیامدهای بلندمدتی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به همراه داشته باشد و مسیر بازگشت به ثبات را دشوارتر کند.

سال تعطیلی

سازندگی بحرانی‌ترین سال آموزش کشور را بررسی می‌کند



گروه اجتماعی: سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ با تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها در پی اعتراضات دی‌ماه و تشدید بحران‌های اجتماعی و جنگ به یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های آموزشی کشور تبدیل شد. در این شرایط، سیاستگذاران آموزش مجازی را به‌عنوان تنها گزینه برای استمرار تحصیل برگزیدند اما ضعف زیرساخت‌ها، محدودیت‌های اینترنتی و ناکارآمدی سامانه‌ها، فرآیند آموزش غیرحضوری را به چالشی جدی بدل کرد. دانش‌آموزان و دانشجویان مناطق محروم بیشترین آسیب را متحمل شدند؛ قطعی مکرر برق، دسترسی محدود به تجهیزات دیجیتال و نبود اینترنت پایدار موجب شد بسیاری از آنها عملاً از چرخه آموزشی خارج شوند. خانواده‌های کم‌درآمد نیز با فشار مضاعف برای تأمین ابزار آموزش و مدیریت محیط خانه مواجه شدند، درحالی که طبقات برخوردار توانستند با امکانات بهتر، ادامه یادگیری را ممکن سازند. این وضعیت، نابرابری آموزشی را به نابرابری اجتماعی بدل کرده و شکاف طبقاتی در یادگیری را بازتولید کرد. آموزش غیرحضوری در شرایط بحرانی، نه تنها کیفیت تدریس و تعامل معلم و دانش‌آموز را کاهش داد بلکه با افزایش اضطراب، کاهش انگیزه و انزوای خانگی، سلامت روانی محصلان را نیز تحت فشار گذاشت. دانش‌آموزان، محروم از تعامل حضوری، تجربه‌های محدود و سطحی از یادگیری را تجربه کردند و بسیاری دچار افت تمرکز و انگیزه تحصیلی شدند. این اثرات کوتاه‌مدت نیست؛ پیامدهای میان‌مدت و بلندمدت آن می‌تواند، توانایی نسل جدید را برای ادامه تحصیل و ورود به بازار کار محدود کند. تحلیل وضعیت نشان می‌دهد که بحران آموزشی اخیر، بازتاب ناکارآمدی نظام آموزش عمومی است؛

ساختار مدارس، روش‌های تدریس و منابع آموزشی ناکافی در شرایط بحران، نواقص گذشته را تشدید کردند. در غیاب برنامه‌های جبرانی مؤثر، نسل کنونی ممکن است با ضعف سواد پایه، مهارت‌های ناکامل و کاهش توانایی تصمیم‌گیری مستقل مواجه شود؛ مسئله‌ای که تهدیدی جدی برای توسعه انسانی و اجتماعی کشور به شمار می‌آید.

تجربه کرونا و شکست جایگزینی آموزش حضوری

در این گزارش با مشورت محمد داوری، فعال حوزه آموزش به این پرسش پاسخ می‌دهیم که تنش‌های اخیر در کشور، چه بلایی بر سر آموزش نسل آینده کشور آورد. او با بیان اینکه تجربه طولانی مدت آموزش غیرحضوری در دوران کرونا نشان داد که آموزش آنلاین هرگز نمی‌تواند، جایگزین آموزش حضوری شود به سازندگی می‌گوید: دانش‌آموزانی که در پایه‌های حساس مانند سوم ابتدایی یا پایه‌های نتیجه‌گرا (مثلاً یازدهم و دوازدهم) بودند، آسیب‌های جدی دیدند. این تجربه ثابت کرد که آموزش حضوری و نقش معلم غیرقابل جایگزینی است. داوری ادامه می‌دهد: برای خانواده‌ها نیز روشن شد که نقش مدرسه و معلم بسیار فراتر از تصورات پیشین است و مدیریت حضور یک یا دو فرزند در کلاس‌های آنلاین بسیار دشوار است. در آموزش غیرحضوری علاوه بر نقش معلم و خانواده، زیرساخت‌ها، سامانه‌ها و تولید محتوای آموزشی اهمیت دارند. بسیاری از معلمان انگیزه کافی برای تولید محتوای با کیفیت ندارند و هزینه زمان اضافی آنان نیز تأمین نمی‌شود. بنابراین کلاس‌های غیرحضوری با محتوای ضعیف و زیرساخت ناکافی، آسیب جدی به یادگیری دانش‌آموزان وارد می‌کنند. این کارشناس

زندگی واقعی شود و تصمیم‌های معنادار برای مسیر زندگی خود بگیرد. این فرد باید توانمندی لازم برای انتخاب مسیر تحصیلی یا شغلی و مدیریت زندگی شخصی خود را داشته باشد.

زیرساخت‌های ناکافی و محتوای ضعیف

این کارشناس آموزشی با بیان اینکه اختلال‌ها و ناکارآمدی‌های موجود در نظام آموزش عمومی این خلأ را ایجاد کرده است، توضیح می‌دهد: در نتیجه، ما با نسلی از شهروندان روبه‌رو خواهیم بود که توانایی لازم برای زندگی مستقل و مسئولانه را ندارند. این مسئله نه تنها برای فرد آسیب‌زنده است بلکه به لحاظ توسعه‌های نیز یک تهدید جدی برای رشد و پیشرفت جامعه محسوب می‌شود. زمانی که آموزش عمومی نتواند دانش‌آموزان را برای زندگی واقعی، تصمیم‌گیری مستقل و مشارکت اجتماعی آماده کند، کل نظام توسعه‌های کشور دچار ضعف می‌شود و فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از دست می‌رود. در نهایت، تجربه اخیر نشان می‌دهد که آموزش مجازی در شرایط بحرانی می‌تواند تنها حداقل استمرار تحصیل را تضمین کند اما جایگزین واقعی آموزش حضوری نیست و بدون تقویت زیرساخت‌ها و حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌پذیر، شکاف‌های آموزشی اجتماعی همچنان ادامه خواهد یافت.

نسل تحصیل کرده

او در پاسخ به این پرسش که در بلندمدت این اختلال‌ها می‌تواند منجر به شکل‌گیری یک نسل نسبتاً تحصیل کرده ناقص شود، اضافه می‌کند: دانش‌آموزانی که خانواده‌هایشان توان جبران کمبودها را نداشته‌اند، فرصت‌های تحصیلی و شغلی محدودی خواهند داشت. ناکارآمدی نظام آموزشی، جذاب نبودن مدرسه برای دانش‌آموز، فرسودگی معلمان و ساختار ناکافی مدارس همگی موجب شده‌اند که خروجی نظام آموزشی نتواند چشم‌انداز روشنی برای مسیر تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان ترسیم کند. به گفته او: فردی که پس از ۱۲ سال آموزش عمومی دیپلم دریافت می‌کند باید علاوه بر رشد شناختی به سطحی از بلوغ اجتماعی دست یافته باشد به گونه‌ای که وقتی به ۱۸ سالگی می‌رسد و دیپلم خود را دریافت می‌کند، بتواند مستقیماً وارد

جامعه

سخنگو، سخن نگو!

فاطمه مهاجرانی می‌گوید: دولت به جای بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده تراکم‌فروشی می‌کند!



فاطمه مومنی

گروه اجتماعی

درحالی که تنها چند روز از اعلام آتش‌بس در «جنگ رمضان» می‌گذرد و پایتخت با جراحات ۳۹ هزار و ۵۸۵ واحد مسکونی آسیب‌دیده دست‌به‌گریبان است، اظهارنظر اخیر فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، شوک جدیدی را به افکار عمومی و بازار نیمه‌جان مسکن وارد کرد. مهاجرانی با صراحتی که بوی «سلب مسئولیت» از آن به مشام می‌رسد، اعلام کرد که دولت بودجه مستقیمی برای بازسازی منازل تخریب‌شده تخصیص نخواهد داد و در عوض، با اعطای «تراکم شناور»، تلاش می‌کند بخش خصوصی و سازندگان را به بازسازی ترغیب کند. این استراتژی که در ادبیات اقتصادی به «پولی‌سازی بحران» تعبیر می‌شود عملاً به معنای رها کردن مردم در هزارتوی مشارکت با سازندگانی است که در شرایط ناپایدار فعلی کمترین تمایلی به حبس سرمایه در مناطق آسیب‌دیده ندارند.

تراکم شناور؛ اهرم نوسازی یا فرار رو به جلو؟

فرمول دولت ساده اما هولناک است: «ما پول نداریم، شما تراکم بفرشید و بسازید». اما این فرمول در لایه‌های فنی با بن‌بست مواجه است. نخست آنکه «تراکم شناور» در مناطقی که زیرساخت‌های شهری آنها بر اثر جنگ آسیب دیده عملاً بار اضافی بر شبکه ضعیف خدمات شهری است. دوم، محاسبات سود و زیان نشان می‌دهد که با هزینه‌های فعلی نهادهای ساختمانی در فروردین ۱۴۰۵ مترمربع اضافی ناشی از تراکم شناور به تنهایی کفاف هزینه‌های سنگین تخریب، گودبرداری و نوسازی کامل (واحدهای گروه دال) را نمی‌دهد.

دولت درحالی از «رغبت سازنده» سخن می‌گوید که ضریب ریسک سرمایه‌گذاری در تهران به بالاترین سطح خود در دو دهه اخیر رسیده است. کدام سازنده حرفه‌ای حاضر است در منطقه‌ای که هنوز بوی باروت می‌دهد و تضمینی

یعنی شکستن تمام شیشه‌ها و تخریب چارچوب‌های پنجره. در شرایطی که تهران در ۲۶ فروردین ماه با توده‌های گرد و غبار و ناپایداری جوی روبه‌روست، صف‌های طولانی برای جایگزینی شیشه و امتناع بیمه‌ها از پرداخت سریع خسارت، وضعیت زیستی را در این واحدها غیرممکن کرده است.

تخصیص بن‌کارت ۴۰۰ میلیون تومانی برای لوازم خانگی نیز با توجه به نرخ تورم جهشی پس از جنگ عملاً قدرت خریدی معادل یک یخچال و یک ماشین لباسشویی معمولی دارد. این مبلغ برای خانواده‌ای که تمام دارایی‌اش زیر آوار مانده یا بر اثر موج انفجار از بین رفته بیشتر به یک «صدقه دولتی» می‌ماند تا جبران خسارت.

جنگ در جبهه موجر و مستأجر

وضعیت مستأجران در این میان، خاکستری‌ترین نقطه ماجراست. با وجود اینکه کارشناسان حقوقی نظیر تورج سرراز از «شرط فاسخ» و «خروج از انتفاع» سخن می‌گویند اما در غیاب یک ستاد بحران مقتدر در وزارت راه و شهرسازی، هزاران پرونده به سمت شوراهای حل اختلاف سرازیر شده است. مالکی که خانه‌اش تخریب شده، توان بازگرداندن ودیعه (پول‌پیش) مستأجر را ندارد و مستأجری که آواره شده منبعی برای اجاره ملک جدید ندارد. دولت با سکوت در برابر این تنش اجتماعی و واگذاری آن به قوانین عادی زمان صلح عملاً به بازتولید خشونت و نارضایتی در لایه‌های زیرین شهر دامن می‌زند.

هزینه جنگ از جیب سقف مردم؟

رویگرد «تراکم به‌جای تقدینگی» نشان‌دهنده یک واقعیت عریان است: خزانه دولت برای بازسازی پسا‌جنگ خالی است. پرسش راهبردی اینجاست که اگر هزینه‌های بازسازی ۳۹ هزار واحد در پایتخت، دولت را به زانو درآورده و مجبور به حراج تراکم شهر کرده است، چگونه می‌توان از ادامه مسیر تقابل سخن گفت؟ مردم امروز میان دو لبه قیچی گیر کرده‌اند: از یک‌سو تهدیدهای خارجی و از سوی دیگر دولتی که حتی برای شیشه‌های شکسته خانه‌هایشان، آنها را در صف‌های انتظار و بازارهای دلالی تراکم رها کرده است. بازسازی، یک وظیفه حاکمیتی و ناشی از قرارداد اجتماعی میان دولت و ملت است؛ برون‌سپاری این وظیفه به «سازندگان» و «تراکم‌فروشی»، نه یک نبوغ مدیریتی، که اعترافی صریح به ناتوانی در اداره تبعات جنگی است که مردم هزینه‌های جانی و مالی آن را پیش‌پیش پرداخته‌اند.



مسکن و وام‌های بلاعوض ۷۰۰ میلیونی مراکز استان‌ها قرار است از کدام ردیف بودجه‌ای تأمین شود؟ به‌نظر می‌رسد میان مجلس که بر «کمک‌های بلاعوض» تأکید دارد و دولت که بر «تراکم‌فروشی» پافشاری می‌کند، یک بن‌بست بودجه‌ای جدی شکل گرفته که دود آن تنها به چشم مردمی می‌رود که اکنون در هتل‌ها یا خانه‌های اقوام اسکان موقت دارند.

زیستن در خانه‌های «بی‌حفاظ»

درحالی که نگاه کلان دولتی بر واحدهای تخریبی متمرکز است ۳۲ هزار و ۶۴۳ واحد در گروه «الف» (خسارت جزئی) رها شده‌اند. «خسارت جزئی» در لسان مسئولان

خبر

انستیتو پاستور پس از سه حمله

خسارت‌های گسترده

اما چراغ تحقیق همچنان روشن است

انستیتو پاستور ایران، یکی از قدیمی‌ترین مراکز تحقیقاتی کشور در جریان جنگ رمضان و حملات آمریکایی-صهیونیستی سه بار هدف حمله قرار گرفت و با وجود گذشت ۲۲ روز، فعالیت‌های خود را ادامه می‌دهد. این مرکز بیش از یک قرن سابقه دارد و در طول تاریخ، خدمات حیاتی مانند تولید واکسن، کنترل بیماری‌های عفونی و تحقیقات علمی گسترده را ارائه کرده است.

دکتر احسان مصطفوی، رئیس انستیتو پاستور، با اشاره به گستردگی آسیب‌ها گفت: «تمام ساختمان‌ها و آزمایشگاه‌ها آسیب دیده‌اند اما شدت خسارت متفاوت است. تجهیزات آزمایشگاهی حساس و با فناوری بالا که طی دهه‌ها جمع‌آوری شده‌اند بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. برخی دستگاه‌ها ظاهراً سالم به‌نظر می‌رسند اما تا زمان راه‌اندازی میزان واقعی خسارت مشخص نخواهد شد».

بیشترین آسیب‌ها به بخش‌های تحقیقاتی و آزمایشگاهی شامل بیوتکنولوژی، مالاریا و ناقلین، تحقیقات بالینی، بانک سلولی و بخش‌های ویروس‌شناسی و باکتری‌شناسی وارد شده است. ارزش ریالی و دلاری تجهیزات از دست‌رفته بسیار بالاست و تأمین مجدد آنها در شرایط تحریم، چالشی بزرگ به‌شمار می‌رود.

با این حال، خدمات تشخیصی و تولیدی مرکز ادامه دارد. بخشی از تجهیزات به سایر شعب منتقل شده و آزمایشگاه‌های مرجع فعال هستند. تولید واکسن، محلول‌های تزریقی و کیت‌های تشخیصی نیز متوقف نشده است. فرآیند بازسازی از چند روز پیش آغاز شده و در فاز اول معابر و بخش‌های کم‌آسیب ایمن‌سازی شده‌اند. فاز دوم شامل بازسازی ساختمان‌های تخریب شده و تأمین تجهیزات است. دکتر مصطفوی تأکید کرد که پیش‌نشت میکروبی انجام شده و نگرانی در این زمینه وجود ندارد.

دکتر مرتضی کرمی‌پور، معاون تحقیقات، افزود که با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، امور پژوهشی ادامه دارد تا مرکز به شرایط عادی بازگردد. با وجود خسارت‌های گسترده، چراغ تحقیق و خدمات انستیتو پاستور ایران همچنان روشن است و نشان می‌دهد که مرکز قدیمی کشور، با وجود آسیب‌های فیزیکی، در خط مقدم سلامت و پژوهش باقی مانده است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتاعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقلتاعی
مدیرهنری: رضا دولتشاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروفچین: محر خسروجریدی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۷۲۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

چالش‌های پنهان در اسلام‌آباد

مذاکرات؛ از بن‌بست فنی تا ضرورت توافق پایدار



مهدی علی‌آبادی

فعال سیاسی

مذاکرات فشرده ایران و آمریکا در اسلام‌آباد، حتی اگر به نتیجه فوری نرسیده باشد، یک بار دیگر نشان داد که مسئله اصلی نه کمبود حرف برای گفت‌وگو بلکه عمق اختلاف بر سر ماهیت توافق است. آنچه در این دور پیش از هر چیز به چشم آمد، وجود شکاف‌های جدی در سه محور اصلی بود: امنیت منطقه‌ای و تنگه هرمز، پرونده هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم و سرنویشت پرونده‌های امنیتی مرتبط با لبنان و آتش‌بس منطقه‌ای. با این حال، مهم‌تر از همه این است که دو طرف هنوز بر سر «معماری توافق» به جمع‌بندی مشترک نرسیده‌اند؛ یعنی مشخص نیست توافق آینده باید یک تفاهم محدود و موقت باشد یا یک چارچوب جامع‌تر با تضمین‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی.

نخستین محور اختلاف، موضوع تنگه هرمز و نقش ایران در معادلات امنیت دریایی است. برای ایران، تنگه هرمز صرفاً یک مسیر کشتیرانی نیست؛ بلکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارندگی و چانه‌زنی ژئوپلیتیکی کشور به شمار می‌رود. طبیعی است که هرگونه تلاش برای کاستن از این اهرم از نگاه تهران به معنای کاهش قدرت راهبردی ایران در منطقه تعبیر شود. در مقابل، واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن نگران‌اند که تثبیت نقش ایران در این گذرگاه حیاتی به افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی تهران بینجامد و موازنه قدرت را بیش از پیش به سود ایران تغییر دهد. از همین روست که بحث‌هایی مانند «کنترل مشترک» یا «سازوکار نظارتی چندجانبه» مطرح می‌شود؛ پیشنهادهایی که از نگاه ایران می‌تواند به محدود شدن نقش مستقل کشور در یکی از حساس‌ترین نقاط جهان منجر شود. با این حال، اگر قرار باشد راهی برای ادامه مسیر پیدا شود شاید بهترین گزینه نه کنترل مشترک به سبک

تحمیلی بلکه طراحی یک چارچوب امنیت منطقه‌ای بومی و بدون حضور مؤثر نیروهای فرامنطقه‌ای باشد؛ چارچوبی که هم نگرانی‌های طرف مقابل را کاهش دهد و هم برای ایران به‌منزله عقب‌نشینی راهبردی تلقی نشود.

دومین و شاید پیچیده‌ترین موضوع، پرونده هسته‌ای است. آنچه در مذاکرات اسلام‌آباد برجسته شد، اختلاف بر سر سطح و دامنه غنی‌سازی و وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده در ایران است. آمریکا زیر فشار شدید داخلی و نیز فشار متحدان منطقه‌ای خود، به‌ویژه اسرائیل و برخی دولت‌های عربی جنوب خلیج فارس، خواهان تضمین‌هایی سختگیرانه درباره عدم حرکت ایران به سمت سلاح هسته‌ای است؛ تضمین‌هایی که در عمل ممکن است به خواسته‌های فراتر از نظارت فنی و حتی نزدیک به تعطیلی کامل بخش‌هایی از زیرساخت هسته‌ای ایران بینجامد. در سوی دیگر، ایران بر حقوق خود ذیل معاهده NPT تأکید دارد و غنی‌سازی صلح‌آمیز را حق مسلم خود می‌داند.

تعیین‌کننده سرنویشت توافق است. ایران و آمریکا هر دو می‌دانند که بحران لبنان صرفاً یک مسئله محلی نیست بلکه با امنیت منطقه‌ای و موازنه قدرت در کل خاورمیانه گره خورده است. ایران بر ضرورت آتش‌بس پایدار تأکید دارد و آمریکا نیز می‌داند که ادامه تنش در لبنان می‌تواند هر نوع توافق دیپلماتیک را از درون فرسوده کند. نکته اساسی اینجاست که تهران، لبنان را از امنیت خود جدا نمی‌داند و هر توافقی که این پیوستگی را نادیده بگیرد، در عمل ناقص خواهد بود. از همین منظر، اگر قرار باشد توافقی پایدار شکل بگیرد، آمریکا باید از نقش صرفاً طرف فشار بیرون آمده و در عمل به سمت نقش میانجی و ضامن اجرای تعهدات حرکت کند.

اما شاید مهم‌ترین نکته‌ای که باید در این مذاکرات دیده شود، عامل زمان است. ادامه وضعیت «نه جنگ، نه صلح» برای هیچ‌یک از طرفین، به‌ویژه ایران، کم‌هزینه نیست. اقتصاد در چنین فضایی قفل می‌شود، فضای عمومی دچار فرسایش می‌گردد و نااطمینانی به یک عامل دائمی در تصمیم‌گیری‌های داخلی و خارجی بدل می‌شود. در چنین شرایطی، حتی توافقی ناقص اما قابل اجرا، می‌تواند از استمرار بحران بهتر باشد. توافقی که هرچند همه خواسته‌ها را پوشش ندهد اما مسیر تنش‌زدایی، کاهش فشار اقتصادی و بازگشت نسبی ثبات را هموار کند.

در نتیجه، آنچه اسلام‌آباد را از یک دور مذاکره معمولی متمایز می‌کند نه فقط محل برگزاری آن بلکه فرصت اندیشیدن به یک توافق واقع‌بینانه‌تر است. توافقی که در آن نه ایران از حقوق اساسی خود صرف‌نظر کند و نه آمریکا دیگر پروژهای خود که به تشدید بحران منجر شود. هنر دیپلماسی دقیقاً در همین نقطه است: یافتن نقطه‌ای میان خواسته‌های حداکثری و نیازهای واقعی. اگر این نقطه پیدا نشود شاید اسلام‌آباد به جای ثبت یک شکست دیگر به یکی از مهم‌ترین ایستگاه‌های عبور از بحران تبدیل شود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرند
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴-۸۲۲۱-۱۴۰۴ هیات اول اوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرند تصرفات مالکانه بالعمراض متعلقه آقای اخلم هادی نظری فرزند جلالی فرزند بارمرد شماره شناسنامه ۴۹۹ صادره از ایران درشش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۸۵۶ مترمربع در پلاک ۴۱ اصلی واقع در کرند بخش ۵ کرمانشاه روستای ده لطفه خریداری از مالک رسمی آقای اخلم حسین محمدی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انتخاض نسبت به صدور سند مالکیت متعلقه اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شماره: الف.م.۴۲.۲

فرزاد میر رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک کرند
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۱.۲۶ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۲.۱۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرند
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴-۷۸۶۱-۱۴۰۴ هیات اول اوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرند تصرفات مالکانه بالعمراض متعلقه آقای اخلم هادی نظری فرزند جلالی فرزند بارمرد شماره شناسنامه ۱۳۳ صادره از ایران درشش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۹۶۶۸ مترمربع در پلاک ۲۴ اصلی واقع در کرند بخش ۵ کرمانشاه روستای سربل خریداری از مالک رسمی آقای اخلم شمس اله غلام محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انتخاض نسبت به صدور سند مالکیت متعلقه اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شماره: الف.م.۳۰.۲

فرزاد میر رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک کرند
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۱.۲۶ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۲.۱۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرند
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴-۵۵۴۳-۱۴۰۴ هیات اول اوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرند تصرفات مالکانه بالعمراض متعلقه آقای اخلم هادی نظری فرزند جلالی فرزند بارمرد شماره شناسنامه ۴۹۹ صادره از ایران درشش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۵۲۰۰ مترمربع در پلاک ۱۵۳ اصلی واقع در کرند بخش ۵ کرمانشاه روستای بهارن خریداری از مالک رسمی آقای اخلم توفیق دانیلی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انتخاض نسبت به صدور سند مالکیت متعلقه اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شماره: الف.م.۲۵.۲

فرزاد میر رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک کرند
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۱.۲۶ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۲.۱۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرند
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴-۳۲۷۲-۱۴۰۴ هیات اول اوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرند تصرفات مالکانه بالعمراض متعلقه آقای اخلم فرهاد جمشیدی فرزند رستم شماره شناسنامه ۱ صادره از ایران درشش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۳۸۱۰ مترمربع در پلاک ۲۸ اصلی واقع در کرند بخش ۵ کرمانشاه روستای میان تنگ خریداری از مالک رسمی آقای اخلم بابا رستم تباری محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انتخاض نسبت به صدور سند مالکیت متعلقه اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شماره: الف.م.۲۹.۲

فرزاد میر رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک کرند
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۱.۲۶ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۲.۱۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرند
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴-۷۲۷۰-۱۴۰۴ هیات اول اوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرند تصرفات مالکانه بالعمراض متعلقه آقای اخلم بابا رستم نظری فرزند جلالی فرزند بارمرد شماره شناسنامه ۴۹۹ صادره از ایران درشش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۵۱۹۴ مترمربع در پلاک ۱۵۴ اصلی واقع در کرند بخش ۵ کرمانشاه روستای بهارن خریداری از مالک رسمی آقای اخلم حسن محمدی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انتخاض نسبت به صدور سند مالکیت متعلقه اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شماره: الف.م.۳۳.۲

فرزاد میر رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک کرند
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۱.۲۶ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۲.۱۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرند
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴-۵۳۰۶-۱۴۰۴ هیات اول اوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرند تصرفات مالکانه بالعمراض متعلقه آقای اخلم جلالی نظری فرزند جلالی فرزند بارمرد شماره شناسنامه ۴۹۹ صادره از ایران درشش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۷۹۸۶ مترمربع در پلاک ۴۰ اصلی واقع در کرند بخش ۵ کرمانشاه روستای احاق قلی خریداری از مالک رسمی آقای اخلم وراث حنیفه محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انتخاض نسبت به صدور سند مالکیت متعلقه اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شماره: الف.م.۴۱.۲

فرزاد میر رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک کرند
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۱.۲۶ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۲.۱۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرند
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴-۶۰۹۰-۱۴۰۴ هیات اول اوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرند تصرفات مالکانه بالعمراض متعلقه آقای اخلم بابا رستم نظری فرزند جلالی فرزند بارمرد شماره شناسنامه ۴۹۹ صادره از ایران درشش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۵۲۰۰ مترمربع در پلاک ۱۵۳ اصلی واقع در کرند بخش ۵ کرمانشاه روستای بهارن خریداری از مالک رسمی آقای اخلم توفیق دانیلی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انتخاض نسبت به صدور سند مالکیت متعلقه اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شماره: الف.م.۲۳.۲

فرزاد میر رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک کرند
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۱.۲۶ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۲.۱۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرند
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴-۳۲۷۲-۱۴۰۴ هیات اول اوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرند تصرفات مالکانه بالعمراض متعلقه آقای اخلم فرهاد جمشیدی فرزند رستم شماره شناسنامه ۱ صادره از ایران درشش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۳۸۱۰ مترمربع در پلاک ۲۸ اصلی واقع در کرند بخش ۵ کرمانشاه روستای میان تنگ خریداری از مالک رسمی آقای اخلم بابا رستم تباری محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انتخاض نسبت به صدور سند مالکیت متعلقه اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شماره: الف.م.۲۹.۲

فرزاد میر رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک کرند
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۱.۲۶ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۲.۱۲

متن آگهی مزایده

پارکینگ الوند مستقر و توقیف شده است. که به علت عدم انجام تعهد از ساعت ۹ الی ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۹ در همدان سعیدیه بالا نبش پلوار غنی زادیان ساختمان ثبت اسناد و املاک از طریق مزایده به فروش می رسد مزایده از مبلغ ۱۱/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (یک میلیارد و هشتاد میلیون تومان) شروع شده و به بالاترین قیمت پیشینداری نقدا فروخته می شود شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه وارز خواهد شد و کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد. ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مقرر برگزار خواهد بود. تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۲۶

آگهی مزایده مال متعلقه (اومبیل) اسناد ذمه ای پرونده کلاسه ۱۴۰۴/۲۷۲۶ به موجب پرونده اجرائی کلاسه فوق علیه رضا سمعی خواه و له معصومه کوثری فرد، یک دستگاه خودرو بصرح ذیل مزایده می گردد: سواری سیستم ایران خودرو تیب TU5P-TARA MIP-6 رنگ سفید روغنی به شماره ۴۳۱ ۴۹۹ ایران ۱۸ شماره شاسی NAAY۱۱H5ARDG۱۰۰۸۲ و شماره موتور ۱۳۲۱۵۵-۱۸۷B مدل ۱۴۰۳ سوخت بنزین تعداد سیلندر ۴ به موجب نظریه کارشناسی مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ سواری فوق بعلت نبودن سوپج و فقدان باتری روشن نشد و خودرو به صورت موتور خاموش ارزیابی گردید شماره های حک شده شاسی و موتور آن فلرپیک و خودرو دارای اصالت و قابلیت شماره گذاری مجدد را دارد به هنگام بازدید کلیه شیشه ها و چراغ ها و آینه های آن سالم بود. بدنه آن کاملاً سالم و فاقد هرگونه خط و خش و خوردگی بود. صندلی های آن کاملاً نو و دارای روکش پلاستیکی بودند کارایی لاستیک های آن حدود ۸۵ درصد برآورد می گردد بعلت نبودن سوپج درب صندوق عقب آن بازنشده و از وضعیت لاستیک بدگ آن اطلاعی در دسترس نیست. بیمه آن نامعتبر می باشد. ارزش شش‌دانگ به مبلغ و به مبلغ ۱۱/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (یک میلیارد و یکصد و هشتاد میلیون تومان) تعیین و اعلام می گردد. که برابر سند ازدواج شماره ۱۳۰۹ مورخ ۱۳۷۶/۰۴/۱۹ دفتر خانه صادر کننده دفتر ازدواج شماره ۹ و طلاق شماره ۸ شهر همدان استان همدان در

رئیس اداره اجرای اسناد اعمد - ناهید یدی متوسل

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir